

فاتحه

برخی از اصول مهم در رجوع و مطالعه قرآن

## شناخت مهم‌ترین اصول در مراجعه به قرآن

هر کسی برای استفاده و بهره‌برداری از هر منبعی ابتدا لازم است در خصوص اهمیت و ضرورت مراجعه خویش به آن آگاه شود. هر چه این آگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر باشد مراجعه او نیز از عمق بیشتری برخوردار خواهد بود. روایات اهل بیت علیهم السلام ما را به اهمیت رجوع به قرآن آگاه ساخته، ضرورت مراجعه به کلام الهی و وحی را یادآوری می‌کنند.

بر این اساس، علم و یقین به اصول استخراج شده زیر در رجوع به قرآن ضروری به نظر می‌رسد. برای دقت و بررسی بیشتر همراه با مطالعه و تفکر در مضامین روایات، نکات یاد شده را تکمیل فرمایید.

**مهم‌ترین اصل که توجه به آن در مراجعه به قرآن ضروری است فهم این مطلب است که:**

قرآن، کلام خدا یعنی کلام ربّ، مالک و اله عالم است که بر قلب نازنین بهترین شخصیت عالم نازل شده و بدون هیچ کم و کاستی در اختیار انسان قرار داده شده است. در واقع با نزول قرآن تمام اسرار عالم به انسان انتقال یافته است.

سایر اصول مراجعه به قرآن را که به نوعی به این اصل جامع برمی‌گردد، می‌توان از متون روایی به دست آورد. برای دقت و بررسی بیشتر همراه با مطالعه و تفکر در مضامین روایات، نکات یاد شده از اصول را تکمیل فرمایید.

### اصل اول

قرآن به عنوان مهم‌ترین رافع نیاز انسان، عطایی منحصر به فرد برای اوست. هیچ چیز به اندازه قرآن نمی‌تواند نیازی را از انسان برطرف کند.

عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ قَالَ الْحَالُ الْمُرتَحِلُ قُلْتُ وَ مَا الْحَالُ الْمُرتَحِلُ قَالَ فَتَحَ الْقُرْآنَ وَ خَتَمَهُ كُلَّمَا جَاءَ بِأَوَّلِهِ ارْتَحَلَ فِي آخِرِهِ وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَرَأَى أَنَّ رَجُلًا أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ صَغَرَ عَظِيمًا وَ عَظَّمَ صَغِيرًا<sup>۱</sup>

زهري گوید به حضرت علی بن الحسین علیه السلام گفتیم: کدام عمل بهتر است؟ فرمود: عمل حال مرتحل (در آید و کوچ کند) گفتیم: حال مرتحل چیست؟ فرمود: فرد خواندن قرآن را آغاز کند و به انجام رساند و هر زمانی که از اول قرآن شروع کرد تا آخر برساند. سپس فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: به هر کس خدا قرآن را عطا کرد و او پندارد که خدا به دیگری بهتر از او عطایی داشته است، حتماً بزرگی را کوچک شمرده و کوچکی را بزرگ شمرده است.

نکاتی از روایات:

۱. برای استفاده از قرآن باید نیازهای خود را شناخت و برای برطرف کردن آنها باید به سوی قرآن کوچ کرد.

<sup>۱</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۵؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۰۷

۲. کوچ کننده باید تا رسیدن به مقصود خود سعی و مجاهدت کند.

۳. کسانی که به قرآن مراجعه می کنند لازم است قدر قرآن را دانسته و با اطمینان به اینکه قرآن به همه نیازهای آنها پاسخ می دهد به آن مراجعه کنند.

۴. ....

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَهُوَ غَنِيٌّ وَلَا فَقْرَ بَعْدَهُ وَإِلَّا مَا بِهِ غِنًى<sup>۱</sup>

هر که قرآن را بخواند، بی نیاز شود و پس از آن نیازی ندارد و گرنه به هیچ بی نیازی دست نیابد.

نکاتی از روایات:

۱. قرآن سببی مستقل برای برطرف کردن نیازهای انسان است.

۲. کسی که به قرآن رو آورد و برطرف شدن نیازهای خود را از قرآن طلب کند، همیشه بی نیاز می شود.

۳. کسانی که از مفاهیم قرآن دور هستند به هیچ غنایی دست نمی یابند.

۴. ....

## اصل دوم

درجات انسان در دنیا و آخرت به فهم معانی آیات قرآن وابسته است. لذا هر چه انسان به این مفاهیم انس بیشتری داشته باشد، از رفعت، شکوه و درجه بیشتری نزد خداوند (در دنیا و آخرت) برخوردار است.

عَنْ حَفْصِ قَالَ سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِرَجُلٍ أ تُحِبُّ الْبَقَاءَ فِي الدُّنْيَا فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ وَ لِمَ قَالَ لِقِرَاءَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَسَكَتَ عَنْهُ فَقَالَ لَهُ بَعْدَ سَاعَةٍ يَا حَفْصُ مَنْ مَاتَ مِنْ أَوْلِيَائِنَا وَ شِيعَتِنَا وَ لَمْ يُحْسِنِ الْقُرْآنَ عُلِّمَ فِي قَبْرِهِ لِيَرْفَعَ اللَّهُ بِهِ مِنْ دَرَجَتِهِ فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى قَدْرِ آيَاتِ الْقُرْآنِ يُقَالُ لَهُ اقْرَأْ وَ اِرْقَ فَيَقْرَأُ ثُمَّ يَرْقَى قَالَ حَفْصُ فَمَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشَدَّ خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ مِنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا أَرْجَى النَّاسِ مِنْهُ وَ كَانَتْ قِرَاءَتُهُ حُزْنًا فَإِذَا قَرَأَ فَكَأَنَّهُ يُخَاطَبُ  
إِنْسَانًا<sup>۲</sup>

حفص گوید: از امام کاظم علیه السلام شنیدم به مردی می فرمود: تو دوست داری در دنیا بمانی؟ در پاسخ گفت: آری، فرمود: برای چه؟ جواب گفت: برای خواندن «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، و امام علیه السلام چیزی نگفت: و پس از ساعتی فرمود: ای حفص! هر که از دوستان و شیعیان ما بمیرد و قرآن را خوب نداند، در قبر به او یاد دهند تا خدا به وسیله آن درجه اش را بالا برد، زیرا درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است، به او گفته شود: بخوان و بالا رو و

<sup>۱</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۵؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۰۷

<sup>۲</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۵؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۰۵

می خواند و بالا می رود، حفص گوید: من احدی را ندیدم بر خود بترسد چون موسی بن جعفر، و احدی را ندیدم از آن حضرت امیدوارتر باشد و قرآن خواندنش با اندوه بود، و چون قرآن می خواند گویا با کسی سخن می گفت. نکاتی از روایات:

۱. درجات بهشت بر اساس علم و عمل مبتنی بر قرآن تعیین می شود.
۲. شیعیان و محبین اهل بیت علیهم السلام برای دریافت درجات بهشتی در قبر مورد تعلیم قرآن قرار می گیرند.
۳. انسان هرگاه قرآن می خواند به گونه ای باید بخواند که گویی خدا را می بیند.
۴. ....

### اصل سوم

قرآن برای کسی که آن را یاد گرفته، همراه و معلّمی دائمی است و چنین شخصی را به درجات عالی رهنمون می سازد. شرط این تعلیم و ترفیع، تمسک به مضامین آن است.

عَنْ يَعْقُوبَ الْأَحْمَرِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي كُنْتُ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَفَلَّتْ مِنِّي فَادَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُعَلِّمَنِيهِ قَالَ فَكَأَنَّهُ فَرَعَ لِذَلِكَ فَقَالَ عَلَّمَكَ اللَّهُ هُوَ وَإِنَّا جَمِيعًا قَالَ وَنَحْنُ نَحْوُ مِنْ عَشْرَةٍ ثُمَّ قَالَ السُّورَةُ تَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ قَدْ قَرَأَهَا ثُمَّ تَرَكَهَا فَتَأْتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ وَتُسَلِّمُ عَلَيْهِ فَيَقُولُ مَنْ أَنْتَ فَتَقُولُ أَنَا سُورَةٌ كَذَا وَكَذَا فَلَوْ أَنَّكَ تَمَسَّكَتَ بِي وَأَخَذْتَ بِي لَأَنْزَلْتُكَ هَذِهِ الدَّرَجَةَ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ فُلَانٌ قَارِئٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيَطْلُبَ بِهِ الدُّنْيَا وَ لَا خَيْرَ فِي ذَلِكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيَسْتَنْفِعَ بِهِ فِي صَلَاتِهِ وَ لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ<sup>۱</sup>

يعقوب احمر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: قربانت، راستی که من قرآن را یاد گرفتم و از دستم رفت، به درگاه خدا عزوجل دعا کن که آن را به من یاد دهد، گویا مانند اینکه آن حضرت از این گزارش در هراس شد و فرمود: خدا آن را به تو و ماها همه یاد بدهد - گوید: ما نزدیک ده کس بودیم - سپس فرمود: سوره ای است که همراه مردی بوده، آن را خوانده و سپس واگذارده است و روز قیامت در نیکوترین صورتی بیاید و بر او سلام دهد، او می گوید: تو کیستی؟ جواب می دهد: من سوره چنان و چنانم و اگر مرا با تمام وجود دریافت کرده بودی و نگاه داشته بودی، تو را به این درجه می رسانیدم، بر شما باد به ملازمت قرآن. سپس فرمود: برخی مردمند که قرآن را می خوانند تا گفته شود: فلانی قرآن خوان است و برخی باشند که قرآن می خوانند برای به دست آوردن دنیا، در اینها خیری نیست و برخی باشند که قرآن می خوانند تا در نماز شب و روز، خود از آن سود برند.

نکاتی از روایات:

۱. علم قرآن باید به گونه ای باشد که موجب فراموشی نشود.
۲. سوره های قرآن دارای شأن و قدری هستند که روز قیامت به صورت انسانی خوش سیما ظاهر می شوند.

<sup>۱</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۸؛ همان، ترجمه کمره ای، ج ۶، ص ۴۱۰

۳. تمسک به قرآن لازمه همراهی دائمی با سوره‌های قرآنی است.

۴. مطالعه قرآن می‌تواند به قصد دنیا طلبی باشد. لذا لازم است مراجعه به قرآن را خالصانه و برای به کارگیری و تفکر خواند و یاد گرفت.

۵. ....

قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ عَلَيَّ دِينًا كَثِيرًا وَقَدْ دَخَلَنِي مَا كَانَ الْقُرْآنُ يُتَفَلَّتُ مِنِّي فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقُرْآنَ الْقُرْآنَ إِنَّ الْآيَةَ مِنَ الْقُرْآنِ وَالسُّورَةَ لَتَنجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى تَصْعَدَ أَلْفَ دَرَجَةٍ يَعْنِي فِي الْجَنَّةِ فَتَقُولُ لَوْ حَفِظْتَنِي لَبَلَّغْتُ بِكَ هَاهُنَا<sup>۱</sup>

يعقوب احمر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من بدهکاری بسیاری دارم و تا آنجا اندوه و پریشانی به دلم راه یافته که قرآن را از دستم ربوده است و فراموشم کرده، امام صادق علیه السلام فرمود: قرآن، قرآن، راستی که یک آیه از قرآن و یک سوره از آن روز قیامت می‌آید تا هزار درجه بالا می‌رود، یعنی در بهشت و می‌گوید: اگر تو مرا با خود نگهداشته بودی، تو را به این مقام می‌رسانیدم.

نکاتی از روایات:

۱. یادگیری سوره‌ها و مطالعه و دقت در مضامین آنها مورد تأکید اهل بیت علیهم السلام است.

۲. روزمرگی دنیا و سختی‌های آن نباید انسان را نسبت به حفظ و یادگیری سوره‌ها و آیات سست کند.

۳. ....

### اصل چهارم

انسان با قرآن می‌تواند توفیق دست‌یابی به درجاتی از نبوت را داشته باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالتَّخَشُّعِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَا حَامِلَ الْقُرْآنِ تَوَاضَعْ بِهِ يَرْفَعَكَ اللَّهُ وَ لَا تَعَزَّزْ بِهِ فَيُذَلِّكَ اللَّهُ يَا حَامِلَ الْقُرْآنِ تَزَيَّنْ بِهِ اللَّهُ يُزَيِّنَكَ اللَّهُ بِهِ وَ لَا تَزَيَّنْ بِهِ لِلنَّاسِ فَيَشِينَكَ اللَّهُ بِهِ مِنْ خَتَمِ الْقُرْآنِ فَكَأَنَّمَا أُدْرِجَتْ النَّبُوءَةُ بَيْنَ جَنبَيْهِ وَ لَكِنَّهُ لَا يُوحَى إِلَيْهِ وَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ فَنَوَلَهُ لَا يَجْهَلُ مَعَهُ مَنْ يَجْهَلُ عَلَيْهِ وَ لَا يَعْضَبُ فِيمَنْ يَعْضَبُ عَلَيْهِ وَ لَا يَحِدُّ فِيمَنْ يَحِدُّ وَ لَكِنَّهُ يَعْفُو وَ يَصْفَحُ وَ يَغْفِرُ وَ يَحْلُمُ لِتَعْظِيمِ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أُوتِيَ الْقُرْآنَ فَظَنَّ أَنَّ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ أُوتِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُوتِيَ فَقَدْ عَظَّمَ مَا حَقَّرَ اللَّهُ وَ حَقَّرَ مَا عَظَّمَ اللَّهُ<sup>۲</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سزاوارترین مردم به ترس از خدا در نهان و عیان، دارای علم به قرآن (حامل قرآن) است و راستی که سزاوارترین مردم در نهان و عیان به نماز خواندن و روزه گرفتن، حامل قرآن است، سپس

<sup>۱</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۸؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۱۱

<sup>۲</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۴؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۰۱

با صوتی بلند خطاب کرد: ای حامل قرآن! به وسیله آن، تواضع پیشه کن تا خدایت بالا برد و آن را وسیله عزت طلبی و تکبر مساز که خدا خوارت کند، ای حامل قرآن! خود را با آن برای خدا بیارای تا خدا تو را بیاراید و خود را بدان برای مردم میارای که خدا بدو تو را زشت کند، هر که قرآن را ختم کند گویا نبوت را در دل خود جای داده است ولی نه به وسیله وحی؛ و هر که قرآن را جمع کند و آن را درک کند، در برابر کسی که با او نادانی کند، بردبار باشد و در برابر هر که به او خشم کند، شکیبیا باشد و خشم نکند و در برابر هر که به او تندی کند، تند نشود ولی بگذرد و چشم پوشد و بیامرزد و بردبار باشد به خاطر تعظیم قرآن و هر که قرآن بدو داده شده است و گمان برد به کسی بهتر او داده شده، هر آینه آنچه را خدا کوچک شمرده، بزرگ دانسته و آنچه را خدا بزرگ دانسته، کوچک شمرده است.

نکاتی از روایات:

۱. نحوه رجوع به قرآن متفاوت و دارای مراتب است:

الف. «حامل قرآن» کسی است که به مضامین و مفاهیم بخش‌هایی از قرآن آگاه است.

ب. «ختم کننده قرآن» کسی است که به واسطه نزدیک شدن به قرآن به مقام نبوت نزدیک شده است.

ج. «جمع کننده قرآن» کسی است که قرآن را در زندگی فردی و اجتماعی جاری سازد.

د. «دارندگان قرآن» کسانی هستند که به نحوی از قرآن بهره دارند.

۲. برای هر یک از افراد فوق در قبال علمشان به قرآن انتظاری وجود دارد. مراتب این افراد را از انتظاراتی که برای

آنها در نظر گرفته شده است، می‌توان فهمید.

۳. انتظاراتی که از حامل قرآن می‌رود عبارتند از:

الف. ....

ب. ....

ج. ....

د. ....

۴. انتظاراتی که از ختم کننده قرآن می‌رود عبارتند از: .....

۵. انتظاراتی که از جمع کننده قرآن می‌رود عبارتند از: .....

الف. ....

ب. ....

ج. ....

۶. چهار صفتی که از جمع کننده قرآن انتظار می‌رود عبارتند از:

۱. ..... ۲. ..... ۳. ..... ۴. ....

۷. انتظاری که از کسی که قرآن به او عطا شده است عبارتست از: .....

### اصل پنجم

کسی که قرآن می‌خواند گویی تمام کتب انبیای گذشته را خوانده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُعْطِيَتْ السُّورَةُ الطُّوَالُ مَكَانَ التَّوْرَةِ وَأُعْطِيَتْ الْمِثْنَانِ مَكَانَ الزَّبُورِ وَفُضِّلَتْ بِالْمُفْصَلِ ثَمَانٌ وَسِتُونَ سُورَةً وَهُوَ مُهَيَّمٌ عَلَى سَائِرِ الْكُتُبِ وَالتَّوْرَةُ لِمُوسَى وَالْإِنْجِيلُ لِعِيسَى وَ الزَّبُورُ لِدَاوُدَ<sup>۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: به من سوره‌های طولانی داده شده به جای تورات، و سوره‌های صد آیه‌ای داده شد به جای انجیل و سوره‌های مثنای به من داده شد به جای زبور، و سوره‌های مفصل (یعنی آیه کوتاه) را که شصت و هشت سوره است افزون به من دادند و این قرآن نگهبان و گواه بر کتاب‌های دیگر است و تورات از موسی علیه السلام است و انجیل از عیسی علیه السلام و زبور از داود علیه السلام است.

### اصل ششم

قرآن منبع نور، هدایت و علم است برای کسی که از آن بهره ببرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَصْحَابَهُ اَعْلَمُوا أَنَّ الْقُرْآنَ هُدَى النَّهَارِ وَ نُورُ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ عَلَى مَا كَانَ مِنْ جُهْدٍ وَ فَاقَةٍ<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: در سفارش امیرالمؤمنین علیه السلام به یارانش بود که: بدانید همانا قرآن برای هر کوشش و فقر، راهبری برای روز و نوری برای شب تار است.

نکاتی از روایات:

۱. قرآن به عنوان هدایتگری همیشگی است.

۲. انسان هم در گشایش و هم در سختی‌ها نیازمند به قرآن است.

۳. ....

### اصل هفتم

سزاوار است تا پایان عمر به یاد دادن و یادگرفتن قرآن اهتمام داشت.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۱

<sup>۲</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۰؛ همان، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۴۰۰

<sup>۳</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۷؛ همان، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۴۰۹

امام صادق علیه السلام فرمودند: برای مؤمن شایسته است که نمیرد تا قرآن را یاد بگیرد یا در کار یاد گرفتنش باشد.  
نکاتی از روایات:

۱. فراگرفتن قرآن برای هر مسلمانی لازم است.
۲. صرف داشتن ایمان برای فرد کمال نمی‌آورد.
۳. ....

### اصل هشتم

قرآن سبب فعال شدن تفکر حقیقی و حیات بخش است.

عن أبي عبد الله عليه السلام قال إن هذا القرآن فيه منار الهدى و مصابيح الدجى فليجل جلال بصره و يفتح للضياء نظره فإن التفكر حياة قلب البصير كما يمشي المستنير في الظلمات بالنور<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا این قرآن (کتابی) است که در آن است جایگاه نور هدایت و چراغ‌های شب تار، پس شخص تیزبین باید در آن دقت کند و برای پرتوش نظر خویش را بگشاید، زیرا که اندیشه کردن، زندگانی دل بینا است، مانند آنکه جویای روشنی است که در تاریکی‌ها به سبب نور راه پیماید.

نکاتی از روایات:

۱. انسان برای تشخیص در زندگی نیازمند به کارگیری عقل و خرد خود است.
۲. برای به کارگیری عقل و خرد، نیازمند تفکر است.
۳. برای فعال شدن تفکری جهت‌دار و رو به سوی مصالح و نیازهای حقیقی‌اش، نیازمند هدایتگر است.
۴. قرآن راه را برای تفکر و تعقل و در نهایت حیات حقیقی برای انسان می‌گشاید.
۵. ....

### اصل نهم

تلاوت قرآن جلا دهنده قلب است.

قال رسول الله صلى الله عليه و آله إن هذه القلوب لتصدأ كما يصدأ الحديد و إن جلاءها قراءة القرآن<sup>۲</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: این دل‌ها چون آهن زنگار می‌گیرد، و جلا و پاک کردن آنها به وسیله قرآن صورت می‌گیرد.

نکاتی از روایات:

۱. انسان در زندگی روزمره خود غبارآلود می‌شود.

<sup>۱</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۰؛ همان، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۴۰۰

<sup>۲</sup> إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۷۸؛ همان، ترجمه سلگی، ج ۱، ص ۲۰۳



۲. قرائت قرآن سببی برای دریافت معنویت است.

۳. ....

### اصل دهم

کسی که قرآن می‌خواند به گنج‌های بی‌نهایتی دست می‌یابد.

قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ آيَاتُ الْقُرْآنِ خَزَائِنٌ فَكُلَّمَا فَتَحَتْ خِرَانَتَهُ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ مَا فِيهَا<sup>۱</sup>  
آیات قرآن گنجینه‌هایند و هر زمانی که گنجینه‌ای گشود، بر تو سزاوار است که نگاه کنی در آن چیست.

نکاتی از روایات:

۱. در این روایات به توجه به ساحت آیات قرآن تأکید شده است.

۲. هر آیه‌ای گنج‌هایی از علم، معرفت و معنویت است که انسان برای دستیابی به آن نیازمند فتح و گشایش است.

۳. کلید فتح و گشایش، نظر با تعمق در آیات است.

۴. ....

### اصل یازدهم

خواندن قرآن نجات دهنده از مهلکه‌هاست.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا وَاللَّهِ لَا يَرْجِعُ الْأَمْرُ وَالْخِلَافَةُ إِلَى آلِ أَبِي بَكْرٍ وَ عُمَرَ أَبَدًا وَلَا إِلَى بَنِي أُمَيَّةَ أَبَدًا وَلَا فِي وَدِّ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ أَبَدًا وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ نَبَذُوا الْقُرْآنَ وَ أَبْطَلُوا السُّنَنَ وَ عَطَلُوا الْأَحْكَامَ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْقُرْآنُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ تَبْيَانٌ مِنَ الْعَمَى وَ اسْتِيفَالَةٌ مِنَ الْعَثْرَةِ وَ نُورٌ مِنَ الظُّلْمَةِ وَ ضِيَاءٌ مِنَ الْأَحْدَاثِ وَ عِصْمَةٌ مِنَ الْهَلَكَةِ وَ رُشْدٌ مِنَ الْغَوَايَةِ وَ بَيَانٌ مِنَ الْفِتَنِ وَ بَلَاغٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ فِيهِ كَمَالُ دِينِكُمْ وَ مَا عَدَلَ أَحَدٌ عَنِ الْقُرْآنِ إِلَّا إِلَى النَّارِ<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: امامت و خلافت هرگز به آل ابی بکر و عمر و نه به زادگان بنی‌امیه و نه در نسل طلحه و زبیر باز نمی‌گردد، زیرا آنان قرآن را به دور انداختند و سنت‌ها را باطل کردند و احکام را معطل گذاشتند در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: قرآن هدایت کننده هر گمراهی و روشنگر هر نابینایی است و وسیله بازگشت و گذشت از هر لغزش است و روشنی است در تاریکی و پرتوی است در هر پیشامد (بدعت) و نگهداری از هر هلاکت است و رهایی از هر گمراهی است و بیان است در مورد هر فتنه و اشتباه و وسیله رسیدن از دنیا به سعادت آخرت است و در آن است کمال دین شماها و هیچ کس از قرآن منحرف نشود جز به دوزخ سوزان.

نکاتی از روایات:

<sup>۱</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۹؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۴۱۵

<sup>۲</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۱؛ همان، ترجمه کمره‌ای، ج ۶، ص ۳۹۱

۱. خواندن قرآن با عمل به آن قرین است.
۲. اگر جامعه‌ای قرائت قرآن را کنار گذارد، در پذیرش حاکمیت دچار اشتباه می‌شود.
۳. سواد قرآنی به معنای شناخت مفاهیم و مضامین حقیقی آن است و این معنا بدون ثقل دیگر آن، یعنی اهل بیت علیهم السلام امکان پذیر نیست.
۴. در جامعه رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآن به ظاهر خوانده می‌شد ولی در واقع آنها از قرآن بسیار دور بودند.
۵. ....

### اصل دوازدهم

همراهی با قرآن ایمنی‌دهنده از وحشت‌های دنیوی است.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَرَأَ مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ يُكْرَرُهَا حَتَّى كَادَ أَنْ يَمُوتَ<sup>۱</sup>

امام سجاد علیه السلام فرمودند: اگر همه مردم که مابین مشرق و مغرب هستند بمیرند من از تنهایی هراس نکنم پس از آنکه قرآن با من باشد، و آن حضرت علیه السلام شیوه‌اش این بود که هر گاه مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ را می‌خواند آنقدر آن را تکرار می‌کرد که نزدیک بود بمیرد.

نکاتی از روایات:

۱. قرآن امنیت بخشی بزرگ و پناهگاهی عظیم برای دفع و رفع شرور و بدی‌هاست.
۲. ارتباط و انس با قرآن به معنای انس با مفاهیم آن است.
۳. این انس با تکرار آیات و ارتباط با آیات امکان‌پذیر خواهد بود.
۴. ....

### اصل سیزدهم

با مراجعه به قرآن می‌توان به اخبار همه هستی و آنچه مورد نیاز انسان است دست یافت.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ كِتَابَهُ وَهُوَ الصَّادِقُ الْبَارُّ فِيهِ خَبْرُكُمْ وَخَبْرُ مَنْ قَبْلَكُمْ وَخَبْرُ مَنْ بَعْدَكُمْ وَخَبْرُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَوْ أَتَاكُمْ مَنْ يُخْبِرُكُمْ عَنْ ذَلِكَ لَتَعَجَبْتُمْ<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۰۲؛ همان، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۴۰۳

<sup>۲</sup> کافی، ج ۲، ص ۵۹۹؛ همان، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۴۰۰

امام صادق علیه السلام: راستی که عزیز جبار کتاب خود را بر شما فرو فرستاده و او است که راستگو و نیک‌خواه است، در کتاب او است گزارش شما و گزارش هر که پیش از شما و گزارش هر که پس از شماست و گزارش آسمان و زمین و اگر بیاید نزد شما کسی که شما را از آن گزارش دهد، هر آینه به شگفت آید.  
نکاتی از روایات:

۱. انسان برای رشد و تعالی خود نیازمند خبردار بودن است.
۲. از آنجایی که انسان با جنبه‌های مختلفی از هستی مرتبط است نیازمند خبر از جنبه‌های مختلف است.
۳. قرآن جامع بین اخبار است.
۴. در خبردهی، صداقت و بخشندگی (عدم بخل) بسیار اهمیت دارد.
۵. ....

### اصل چهاردهم

کسی که قرآن می‌خواند از ویژگی‌های قرآن بهره‌مند می‌شود.

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تُطْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَ سِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوْقُذُهُ وَ بَحْرًا لَا يُدْرِكُ قَعْرُهُ وَ مِنْهَا جَاءَ لَا يُضِلُّ نَهْجُهُ وَ شُعَاعًا لَا يُظْلِمُ صَوِّهُ وَ فُرْقَانًا لَا يُخَمِّدُ بُرْهَانَهُ وَ تَبْيَانًا لَا تُهْدِمُ أَرْكَانَهُ وَ شِفَاءً لَا تُخْشَى أَسْقَامُهُ وَ عِزًّا لَا تُهْزَمُ أَنْصَارُهُ وَ حَقًّا لَا تُخْذَلُ أَعْوَانُهُ فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَ بُحْبُوحَتُهُ وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ وَ بُحُورُهُ وَ رِيَاضُ الْعَدْلِ وَ غُدْرَانُهُ وَ أَثَافِي<sup>۱</sup> الْإِسْلَامِ وَ بُنْيَانُهُ وَ أَوْدِيَّةُ الْحَقِّ وَ غَيْطَانُهُ وَ بَحْرٌ لَا يَنْزِفُهُ الْمُسْتَنْزِفُونَ وَ عِيُونَ لَا يُنْضِبُهَا الْمَاتِحُونَ وَ مَنَاهِلٌ لَا يَغِيضُهَا الْوَارِدُونَ<sup>۲</sup> وَ مَنَازِلٌ لَا يَضِلُّ نَهْجَهَا الْمُسَافِرُونَ وَ أَعْلَامٌ لَا يَعْمَى عَنْهَا السَّائِرُونَ وَ آكَامٌ لَا يَجُوزُ عَنْهَا الْقَاصِدُونَ جَعَلَهُ اللَّهُ رِيًّا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ وَ رِبْعًا لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ وَ مَحَاجٍ لَطُرُقِ الصُّلَحَاءِ<sup>۳</sup> وَ دَوَاءٍ لَيْسَ بَعْدَهُ دَاءٌ وَ نُورًا لَيْسَ مَعَهُ ظُلْمَةٌ وَ حَبْلًا وَثِيقًا عُرْوَتُهُ وَ مَعْقِلًا مَبِيعًا ذِرْوَتُهُ وَ عِزًّا لِمَنْ تَوَلَّاهُ وَ سَلِيمًا لِمَنْ دَخَلَهُ وَ هُدًى لِمَنْ ائْتَمَّ بِهِ وَ عُدْرًا لِمَنْ ائْتَحَلَّهُ وَ بُرْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ وَ شَاهِدًا لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ وَ فَلْجًا لِمَنْ حَاجَّ بِهِ وَ حَامِلًا لِمَنْ حَمَلَهُ وَ مَطِيَّةً لِمَنْ أَعْمَلَهُ وَ آيَةً لِمَنْ تَوَسَّسَ وَ جَنَّةً لِمَنْ اسْتَلَّامَ<sup>۴</sup> وَ عِلْمًا لِمَنْ وَعَى وَ حَدِيثًا لِمَنْ رَوَى وَ حُكْمًا لِمَنْ قَضَى<sup>۵</sup>

سپس قرآن را بر او نازل فرمود:

قرآن نوری است که خاموشی ندارد،

<sup>۱</sup> غدران جمع الغدير، و الاثافي، بالتشديد جمع اثفیه، بالضم و بالكسر الحجر يوضع عليه القدر.

<sup>۲</sup> الغوط و الغاط و العوطه: المطمئن من الأرض و الجمع غياط و غيطان. و نصب أى نزح، و الماتح: المستقى من البئر بالدلو من أعلى البئر. و لا يغيبها أى لا ينقصها. و الاكام جمع اكم و هو جمع أكمة و هى التل.

<sup>۳</sup> أمرع المكان: أخصب. و المحاج: جمع محجة.

<sup>۴</sup> استلام أى لبس اللأمة و هى الدرع أو جميع أدوات الحرب.

<sup>۵</sup> نهج البلاغه، ص ۳۱۶

چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد،  
دریایی است که ژرفای آن درک نشود،  
راهی است که رونده آن گمراه نگردد،  
شعله‌ای است که نور آن تاریک نشود،  
جدا کننده حق و باطلی است که درخشش برهانش خاموش نگردد،  
بنایی است که ستون‌های آن خراب نشود،  
شفا دهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت انگیز را بزدايد،  
قدرتی است که یاورانش شکست ندارند،  
و حقی است که یاری کنندگانش مغلوب نشوند.  
قرآن، معدن ایمان و اصل آن است،  
چشمه‌های دانش و دریاهای علوم است،  
بوستان‌های عدل و چشمه‌های آن است،  
پایه‌های اسلام و ستون‌های محکم آن است،  
نهرهای جاری زلال حقیقت، و سرزمین‌های آن است.  
دریایی است که تشنگان آن، آبش را تمام نتوانند کشید،  
و چشمه‌ای است که آبش کمی ندارد،  
محل برداشت آبی است که هرچه از آن بگیرند کاهش نمی‌یابد،  
منزلی است که مسافران راه آن را فراموش نخواهند کرد،  
و نشانه‌هایی است که روندگان از آن غفلت نمی‌کنند،  
کوهسار زیبایی است که از آن نمی‌گذرند.  
خدا قرآن را فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان،  
و باران بهاری برای قلب فقیهان،  
و راه گسترده و وسیع برای صالحان قرار داده است.  
قرآن دارویی است که با آن بیماری وجود ندارد،  
نوری است که با آن تاریکی یافت نمی‌شود،  
ریسمانی است که رشته‌های آن محکم،  
پناهگاهی است که قلّه آن بلند،

و توان و قدرتی است برای آن که قرآن را برگزیند،  
محل امنی است برای هر کس که وارد آن شود،  
راهنمایی است تا از او پیروی کند،  
وسیله انجام وظیفه است برای آن که قرآن را راه و رسم خود قرار دهد،  
برهانی است بر آن کس که با آن سخن بگوید،  
عامل پیروزی است برای آن کس که با آن استدلال کند،  
نجات دهنده است برای آن کس که حافظ آن باشد و به آن عمل کند،  
و راهبر آن که آن را به کار گیرد،  
و نشانه هدایت است برای آن کس که در او بنگرد،  
سپر نگهدارنده است برای آن کس که با آن خود را بپوشاند،  
و دانش کسی است که آن را به خاطر بسپارد،  
و حدیث کسی است که از آن روایت کند،  
و فرمان کسی است که با آن قضاوت کند.<sup>۱</sup>

### نتیجه اصول

۱. هر چه اعتقاد به قرآن و راهگشایی آن در زندگی در فرد بیشتر باشد، خود را بیشتر نیازمند آن دیده، انگیزه بیشتری برای انس با آن در او به وجود می‌آید.
۲. هر کس دارای طهارت و تقوای بیشتر باشد استفاده او از قرآن بیشتر است. طهارت به معنای دوری از پلیدی‌ها در باور و عمل است و ملاک پلیدی را عقل و شرع مشخص می‌نماید.
۳. هر کس دارای قدرت تفکر، تامل و تمرکز بیشتر باشد امکان بهره‌مندی بیشتر از آیات نورانی قرآن را خواهد داشت.
۴. قرآن، نسخه هستی منطبق بر انسان کامل و نوشته بر سینه هر انسانی است.
۵. آشنایی با زبان قرآن در حد شناخت قالب‌ها در فهم آیات نورانی قرآن لازم است.

### شناخت مهم‌ترین نکات در روش ارجاع و مطالعه قرآن

در ابتدا لازم است به برخی از اصول مربوط به انسان توجه کنیم:

۱. انسان موجودی با ساحت فردی و اجتماعی است و دارای امکانات و نعمت‌های ویژه در به دست آوردن علم است.

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۴۱۹

۲. انسان دارای دو زندگی موقت و دائمی است. در طول مدت زندگی موقت خود باید کیفیت زندگی دائمی خود را به دست خود رقم بزند.

۳. بدین ترتیب انسان دارای نیازهای متعدد جسمی و روحی شده و زندگی او در این دو بعد رقم خورده است. او برای برطرف کردن این نیازها به رزق مادی و معنوی نیازمند است.

۴. انسان برای دریافت رزق مادی و معنوی خود، لازم است قوای ادراکی خود از قبیل تفکر و تعقل و نیز قوای رفتاری اش را فعال کند.

۵. مهم‌ترین نیاز انسان در رابطه با رزق معنوی، ارتباط او با غیب و ملکوت آسمان‌ها و زمین و نیز درک درست از قوانین زندگی و روش‌های اجرایی کردن آن است.

۶. قرآن به عنوان تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی انسان، هدایت‌کننده او به سمت زندگی مطلوب و حیات طیبه است.

با توجه به مطالب فوق نقش قرآن در هدایت انسان و جامعه او واضح است. بنابراین قرآن تأمین‌کننده رزق معنوی و مرتبط‌کننده انسان با خدا و غیب آسمان‌ها و زمین بوده و بر این اساس می‌توان گفت:

- هیچ کتاب و اثری به اندازه قرآن برای انس‌ورزی، مطالعه و دست‌یابی به رشد و هدایت مهم نیست.
- اگر انسان همه عمر خود را برای تعلیم و به کارگیری مضامین آن صرف کند باز به عمق مفاهیم آن راه نیافته است.
- هیچ علم و کتابی در حد مقایسه با قرآن و روایات نیست تا بتواند به عنوان عنصر برنامه‌ریزی هم‌ارز با قرآن مطرح باشد.
- هر انسانی لازم است قدر قرآن را به عنوان رزق دائمی خود برای حیات معنوی اش در دنیا و آخرت به شکل جدی و ویژه‌ای ارج نهد.

با توجه به موارد فوق ضرورت قطعی و فوری است که هر کسی برنامه همه عمر خود را در راه انس و تدبر در قرآن و روایات قرار دهد. و در این راستا از هر گونه بخل، کوتاه‌فکری و عجله‌ای دست بردارد.

طبیعی است برای این منظور ضرورت برنامه‌ریزی، قطعی است و نمونه‌هایی از این برنامه‌ریزی را می‌توان در روایات اهل بیت علیهم السلام مشاهده کرد؛ زیرا ایشان در هر مناسبت و موقعیتی افراد را به انس با سوره‌ها و آیاتی به صورت دائم توصیه فرموده‌اند که این خود بهترین نوع برنامه‌ریزی ثابت در طول زندگی یک فرد به حساب می‌آید.

علاوه بر دستورات اهل بیت علیهم السلام که هر کس متناسب با ظرفیت خود به آن عمل می‌کند، برای بالا رفتن میزان دقت و سرعت در انس و تدبر با قرآن می‌توان به پیشنهادهای زیر توجه کرد:

## تعیین اهداف برنامه

برای هر برنامه‌ریزی ابتدا لازم است هدف تفصیلی برنامه و افق کلی آن را تعیین کرد.

اهداف تفصیلی این برنامه عبارتند از:

۱. مطالعه واژگان قرآن برای آشنایی با کلید واژه‌های قرآن، به منظور دستیابی به فهم دقیق از قرآن و ارجاع سؤالات و موضوعات مورد نیاز به قرآن
۲. مطالعه تفصیلی همه سوره‌های قرآن برای فهم مختصات موضوعات قرآن
۳. مطالعه تفسیری کل سوره‌های قرآن برای فهم معانی آیات و فهم غرض سوره‌ها
۴. مطالعه مبانی توحید، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی منطبق با دیدگاه‌های ثقلین؛ با این مطالعه می‌توان نگاهی کلی درباره موضوعات قرآن به دست آورد.

برای عملی شدن برنامه‌های فوق، علاوه بر متن قرآن دو منبع «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» نوشته علامه مصطفوی رحمت الله علیه و «تفسیر المیزان» نوشته علامه طباطبایی رحمت الله علیه توصیه می‌شود.

## برنامه برای مطالعه واژگان قرآن

واژگان قرآن در ب‌های ورود به مفاهیم و موضوعات قرآنند. در عین حال تعداد این واژه‌ها محدود و امکان یادگیری مفاهیم آن کار دشواری نیست؛ زیرا واژگان در کل قرآن تکرار می‌شود. با در نظر گرفتن ریشه کلمات و یادگیری مفهوم ریشه این کار سهل‌تر نیز می‌شود.

به عنوان مثال: ریشه کلمات «ایمان»، «امانت»، «امن»، «امنه» یکی است و آن امن به معنای سکون و رفع خوف و وحشت است. و یا ریشه کلمات «بغی»، «بِغَا»، «عَیَّ»، «ابتغاء» بغی است و به معنای طلب شدید و اراده قوی است. بدین ترتیب با در نظر داشتن معانی ریشه‌ها، تعداد لغات برای یادگیری بسیار اندک می‌شود. هر چند برای فهم معانی لازم است تغییر معانی در باب‌های مختلف و نیز نقش حروف مختلف را آموزش دید.

برای برنامه‌ریزی در فهم لغات کل قرآن در نظر داشتن مطالب زیر ضروری است:

۱. تعداد ریشه واژه‌های قرآن، نزدیک به ۱۷۰۰ واژه است که با یادگیری این واژگان می‌توان به مفاهیم همه واژه‌های قرآن دست یافت.

۲. هر سوره دارای سه دسته واژه است:

- الف. واژه‌های پرتکرار؛ ریشه این واژه‌ها که در سایر سوره‌ها نیز آمده در سوره تکرار شده است.
  - ب. واژه‌های کم تکرار؛ ریشه این واژه‌ها که در سایر سوره‌ها آمده یک یا دو بار در سوره آمده است.
  - ج. واژه‌های اختصاصی سوره؛ ریشه این واژه‌ها و یا مشتقات خاص آنها تنها در سوره مورد نظر آمده است.
- برای برنامه‌ریزی لغات قرآن کافی است در هر سوره ۱۰ تا ۲۰ واژه کار شود. حاشیه‌نویسی واژگان در قرآن می‌تواند ما را در فهم واژگان یاری نماید؛ زیرا با این کار با هر ختم قرآنی معنای واژگان مرور می‌شود.

همچنین می‌توان با مطالعه واژگان همه سوره‌های سه جزء آخر، اغلب واژگان قرآن را مطالعه کرد.

#### برنامه برای مطالعه سوره‌ها

در سه جزء آخر قرآن نیمی از سوره‌های قرآن و در ۲۷ جزء دیگر نیمی دیگر از سوره‌ها قرار دارد. بر همین اساس مطالعه تفسیر و نیز روش‌های تدبر عمدتاً از سوره‌های سه جزء آخر انتخاب شده است. بدین ترتیب فرد در مدت ۲۰ ماه با حدود ۸۰۰ ساعت (در هر هفته ده ساعت) می‌تواند با مطالعه این سه جزء، نیمی از سوره‌ها را مطالعه کند. بر همین اساس روش‌های تدبر در واژه، تدبر قرآن به قرآن، تدبر قرآن به روایات و تدبر در سوره‌ها در سه جزء آخر مطالعه شده و نیز تفسیر این سوره‌ها مطالعه می‌شود.

مطالعه اجمالی ۲۷ جزء دیگر به شکل سریع و پس از یادگیری روش‌ها با مدد از تفسیر المیزان (تفسیر ذیل آیات) در ۶۰ هفته یا ۱۵ ماه با حدود ۶۰۰ ساعت مقدور است. در این حالت هر سوره بزرگ در دو هفته و سایر سوره‌ها در یک هفته مطالعه خواهند شد.

با این دو برنامه فرد به صورت تفصیلی می‌تواند به موضوعات قرآن تسلط نسبی یافته و نیز تفسیر ذیل آیات را مطالعه کند. طبیعی است اجرای برنامه به صورت جمعی افراد را از مزایای جمع نیز بهره‌مند ساخته به شرط هماهنگی جمع با هم، سرعت و دقت را به شکل ویژه‌ای افزایش می‌دهد.

#### داشتن نگاه جامع تحلیلی قرآنی (دید توحیدی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی)

قدرت تحلیل هر کس متناسب با نوع جهان‌بینی و شناخت او از هستی‌آفرین، هستی، انسان و جامعه است. حضرت علامه طباطبایی رحمت الله علیه در خلال مباحث تفسیری خود به بیان بحث‌هایی در این زمینه پرداخته‌اند به صورتی که اگر کسی تفسیر المیزان را به دقت مطالعه کند از رهگذر این مباحث قدرت تحلیلی فوق‌العاده‌ای در زمینه مباحث دین‌شناسی و قرآنی به دست می‌آورد، به ویژه اینکه مباحث ایشان بسیار دقیق، عمیق، خلاصه و فشرده و در خور تفکر و تأمل است.

برای مطالعه بهتر این مباحث، آنها را از متن تفسیر استخراج کرده، در قالب موضوعات مربوط به خود دسته‌بندی کرده‌ایم. بدین ترتیب به افراد توصیه می‌کنیم این مباحث را که در ۲۰ جلد در حال تدوین است در طول زمان مطالعه و مباحثه کنند. با مطالعه منظم این کتب به تحقیق افراد نسبت به مجموعه مباحث مورد نیاز مسلط شده و برای رفع شبهه‌های جامعه مسلح می‌شوند. مجموعه صفحات در نظر گرفته شده در این بخش حدود ۵۰۰۰ صفحه خواهد بود.

علاوه بر این کتب، حضرت علامه رحمت الله علیه هفت رساله معرفی در زمینه مباحث توحیدی، مسائل مربوط به ولایت و انسان از خود باقی گذاشته‌اند که مطالعه این هفت رساله می‌تواند غرض فوق را تا حدی تأمین نماید. لذا برای برنامه‌ریزی، انتخاب یکی از دو سیر مطالعاتی یا هر دو، فرد را در داشتن دید تحلیلی قرآنی یاری می‌نماید.



## برنامه‌های تحقیقاتی و پژوهشی

برای افرادی که مایل‌اند در حوزه‌های پژوهش و تحقیق در زمینه موضوعاتی برگرفته از دو منبع قرآن و عترت علیهم السلام وارد شوند، کتاب‌های تدبر بین سوره‌ای و تدبر در قالب ادبی پیشنهاد می‌شود. در این کتب شیوه‌های پژوهش و بررسی‌های دقیق آیات -علاوه بر کتب پیشین- می‌تواند برای علاقه‌مندان مفید باشد. در این تحقیقات بسیاری از سوره‌های قرآن از جمله سوره‌های الر، طواسین، حوامیم، مسبحات و ... به شکل پژوهشی مطالعه می‌شود.

## نتیجه و جمع‌بندی

مجموعه ساعات مطالعه و بررسی پیش‌بینی شده عبارتند از:

برای واژه‌ها ۲۰۰ ساعت

برای سوره‌ها ۱۴۰۰ ساعت

برای سیر مطالعاتی ۱۲۵۰ ساعت

مجموعه ساعات در نظر گرفته شده برای کل این پروژه عظیم انسان‌ساز و جامعه توحیدی پرور در حدود ۳۰۰۰ ساعت است. این در حالی است که با صرف این هزینه فرد به نورانیت، نهایت رضایت‌مندی و طیب نفس دست می‌یابد. *إن شاء الله.*

## تقوا و طهارت مقدمه‌ای لازم برای فهم قرآن

طبق آیه شریفه «لا یمسّه الا المطهرون» برای دست‌یابی به فهم قرآن، طهارت یافتن اصلی غیرقابل انکار است. همچنین در آیه دوم تا پنجم سوره مبارکه بقره آمده است:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲) الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳) وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴) أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

۲. آن کتاب [بلند مرتبه] هیچ تردیدی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است. ۳. آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند. ۴. و آنان که به آنچه به تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل شده، ایمان می‌آورند و اینانند که به آخرت یقین دارند. ۵. آنان بر هدایتی از پروردگار خویشند و هم ایشان رستگاراند.

در این آیات تنها متقین را برخوردار از نعمت هدایت تقوا می‌داند و آنها را با پنج وصف توصیف می‌کند. «و این طرز بیان به خوبی می‌فهماند که نامبردگان به خاطر اینکه از ناحیه خدای سبحان هدایت شده‌اند، دارای این پنج صفت کریمه شده‌اند، ساده‌تر اینکه ایشان متقی و (دارای پنج صفت نامبرده نشده‌اند)، مگر به هدایتی از خدای تعالی، آنگاه کتاب خود را چنین معرفی می‌کند: که هدایت همین متقین است، (لا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ)، پس

می‌فهمیم که هدایت کتاب، غیر آن هدایتی است که اوصاف نامبرده را در پی داشت، و نیز می‌فهمیم که متقین، دارای دو هدایتند، یک هدایت اولی که به خاطر آن، متقی شدند، و یک هدایت دومی که خدای سبحان به پاس تقوایشان به ایشان کرامت فرمود.<sup>۱</sup> «و چون هدایت دومی متقین به وسیله قرآن صورت می‌گیرد، معلوم می‌شود هدایت اولی قبل از قرآن بوده، و علت آن سلامت فطرت بوده است. چرا که این وجدانی همه ماست که اگر فطرت کسی سالم باشد، ممکن نیست به این حقیقت اعتراف نکند، که من موجودی محتاجم، و احتیاجم به چیزی است که خارج از ذات خودم است. همچنین غیر من تمامی موجودات، و آنچه به تصور و وهم یا عقل درآید، محتاج به امری هستند خارج از ذاتشان، و آن امر و آن چیز، امری است که سلسله همه حوایج بدو منتهی می‌شود.

پس شخصی که سلامت فطرت داشته باشد، خواه ناخواه ایمان به موجودی غایب از حس خودش دارد؛ موجودی که هستی خودش و هستی همه عالم، مستند به آن موجود است. شخص سلیم الفطره بعد از آنکه به چنین موجود غیبی‌ای ایمان آورد و اعتراف کرد، فکر می‌کند که این مبدأ که حتی دقیقه‌ای از دقایق از حوایج موجودات غافل نمی‌ماند و برای هر موجودی آنچنان سرپرستی دارد که گویی غیر از آن دیگر مخلوقی ندارد، چگونه ممکن است از هدایت بندگانش غافل بماند و راه نجات از اعمال مهلک و اخلاق مهلک را به آنان ننماید؟

همین سؤالی که از خود می‌کند، و سؤالات دیگری که از آن زاییده می‌شود سر از مسأله توحید و نبوت و معاد در می‌آورد، و در نتیجه خود را ملزم می‌داند که در برابر آن مبدأ یکتا خضوع کند چون خالق و رب او و رب همه عالم است، و نیز خود را ملزم می‌داند که در جستجوی هدایت او برآید، و وقتی به هدایت او رسید، آنچه در وسع اوست از مال و جاه و علم و فضیلت همه را در راه احیای آن هدایت و نشر آن دین به کار بندد، و این همان نماز و انفاق است، اما نه نماز و زکات قرآن، چون گفتار ما درباره شخص سلیم الفطره‌ای است که اینها را در فطرت خود می‌یابد، بلکه نماز و زکاتی که فطرتش به گردنش می‌اندازد، و او هم از فطرتش می‌پذیرد.

از اینجا معلوم شد که این پنج صفتی که خدای تعالی آنها را زمینه هدایت قرآنی خود قرار داده، صفاتی است که فطرت سالم در آدمی ایجاد می‌کند، و در آیات مورد بحث به دارندگان چنین فطرتی وعده می‌دهد که به زودی به وسیله قرآنش ایشان را هدایت می‌کند، البته هدایتی زائد بر هدایت فطرتشان، پس اعمال پنج‌گانه نامبرده، متوسط میان دو هدایتند، هدایتی سابق بر آن اعمال، و هدایتی لاحق به آنها، و اعتقاد صادق و اعمال صالح میان دو هدایت واسطه‌اند، به طوری که اگر بعد از هدایت فطرت، آن اعتقاد و آن اعمال نباشد، هدایت دومی دست نمی‌دهد.<sup>۲</sup>

#### محورهای طهارت جهت برنامه‌ریزی

با توجه به مطالب فوق هر چه زمینه‌های تقوا در فرد بیشتر متجلی شود بیشتر از هدایت قرآن برخوردار می‌شود. لذا پنج محور طهارت برای درک قرآن که باید برای آن برنامه‌ریزی شود عبارتند از:

<sup>۱</sup> ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۷۰

<sup>۲</sup> ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۷۰

اول. ایمان به غیب: در این حالت لازم است فرد به نظامی با قوانین ثابت و مشخص باور داشته باشد. هر چه فرد با مطالعات و تفکرات خود به قانون‌های جاری در حیات و دست پنهانی هستی‌آفرین بیشتر اعتقاد یابد از هدایت بیشتری برخوردار می‌شود.

دوم. توجه روز افزون به خداوند: این توجه با ترک گناه و توجه به عبادات حاصل می‌شود. بنابراین فرد خود را ملزم می‌داند تا با خروج از گناهان و زشتی‌ها خود را در معرض هدایت قرآن قرار دهد.

سوم. توجه برای برطرف کردن نیازهای مردم: برای این منظور لازم است، نسبت به زندگی نزدیکان، همسایگان، دوستان و ... توجه کافی داشته و برای رفع نیاز آنها تلاش نماید.

چهارم. اطمینان به کتاب و حقایق وحی: علم به حقایق وحی و اطمینان به آن زمینه طهارت را فراهم می‌کند.

پنجم. توجه به آخرت به عنوان غایت انسان: هر چه انسان نگاه خود را به آخرت و حقایق باطنی عالم بیشتر معطوف کند از طهارت بیشتری برخوردار خواهد شد.

برای به دست آوردن طهارت و به دست آوردن مهارت تقوا، مطالعه سوره‌های زیر توصیه می‌شود:

#### در رابطه با ایمان به غیب

- پناه به رب الفلق از شرور بیرونی، با تدبیر در سوره مبارکه فلق
- پناه به رب و ملک و اله ناس از وسوسه‌های شیطانی، با تدبیر در سوره مبارکه ناس
- برخورداری از عناصر غیبی تاثیرگذار مانند استغفار و تسبیح در ساختار انسان و جامعه، با تدبیر در سوره مبارکه نصر

#### در رابطه با اقامه نماز و انفاق

- توجه به نماز واقعی که قرین انفاق و توجه به دیگران است، با تدبیر در سوره مبارکه ماعون

#### توجه به موانع ارتباط با دیگران

- توجه به نقش محدود کننده روابط در اجتماع، با تدبیر در سوره مبارکه همزه و عبس

#### اطمینان به وحی

- اطمینان به انزال رسول و مسیر تعیین شده توسط او، با تدبیر در سوره‌های مبارکه ضحی و انشراح و عبس

#### ایمان به آخرت

- توجه به قیامت و داشتن عمل متناسب با آن، با تدبیر در سوره مبارکه زلزال و عبس

توجه به دو نکته زیر در مورد مطالعه و بررسی سوره‌های فوق الزامی است:

۱. سوره‌های انتخابی سوره‌هایی هستند که فهم آنها کمتر وابسته به کارهای ویژه‌ای یا تفسیری است. لذا افراد به صرف آشنایی اجمالی با مضامین آن، می‌توانند زندگی خود را بر آن اساس تنظیم نمایند.

۲. عمل به پیام اصلی سوره‌های انتخابی، می‌تواند طهارت فرد را برای تدبیر حاصل نماید. لذا می‌توان آنها را مقدمه‌ای برای تدبیر دانست.

درس اول

دانش‌پژوهی و پژوهش‌های قرآنی، شرط لازم برای مطالعه و رجوع به قرآن

از ضرورت‌های قطعی هدایت، رجوع به قرآن و فهم مفاهیم و به کار گرفتن آنست. در عین حال با مطالعه گوشه‌ای از روایات به اوصاف این کتاب ممتاز اشاره شد.

اکنون لازم است علاوه بر موارد بیان شده در شروع کتاب، برخی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن بیان شود تا:

- ضمن انگیزه بیشتر برای مطالعه و انس با آن، انتظاری در خور شأن در مواجهه با آن به وجود آید
- در مسیر استفاده و کاربرد نیز، علم و توان بیشتری در تحلیل محتوای آن حاصل شود.

زیرا فهم انسان از معنای متن، وابسته به نیاز و انتظاری است که فرد در درون خود از آن کشف می‌کند. برای آشنایی با ویژگی‌های قرآن می‌توان از توصیفات قرآن و اسامی آن کمک گرفت و یا از روایات اهل بیت علیهم السلام مدد جست، همچنین از ویژگی‌های کلی حاکم بر آن که هر ناظری را به خود جلب می‌کند استفاده کرد.

### **شناخت ویژگی‌های قرآن با توصیفات کلمه «قرآن»**

توصیفات آنست که از قرآن در قرآن آمده است معرفی جامعی از این کتاب یگانه است. طبعاً برای آشنایی با این توصیفات لازم است به قرآن مراجعه شود:

### **گام نخست: فهم توصیف «قرآن کریم»**

برای فهم معنای کریم بودن قرآن، سوره مبارکه واقعه را رو به روی خود گشوده و ضمن مطالعه اجمالی سوره، آیات ۷۵ تا ۸۲ را که در مورد قرآن است مورد توجه قرار دهید.

برخی از حقایقی که این سوره از آن پرده برمی‌دارد عبارتند از:<sup>۱</sup>

در آیات ۱ تا ۱۰ بیان می‌دارد: هستی دارای ظاهر و باطنی است که روز قیامت باطن هستی را ظاهر می‌کند. در این روز وضعیت هر کسی در سه گروهی که بوده مشخص می‌شود. گروه اول مقربین هستند که همان رهبران هدایت بخش‌اند، گروه دوم پیروان رهبران الهی‌اند که اهل یمن، خیر و برکت‌اند و گروه سوم کسانی هستند که از پیروی رهبران الهی به هر نحو سر باز زده‌اند.

در آیات ۱۱ تا ۵۶ ادامه می‌دهد: هر عملی در هر سه گروه نیز باطن و ظاهری دارد که باطن این اعمال در روز قیامت تجلی می‌یابد.

در آیات ۵۷ تا ۷۴ انسان ظاهر و باطن داشتن این عالم را می‌تواند در وجود خود و در سایر عناصر هستی با قدری تأمل مشاهده کند.

تا اینکه سوره به آیات ۷۵ رسیده وصف قرآن را بیان می‌دارد:

---

<sup>۱</sup> نکات دیگری که در تکمیل مباحث می‌توانید بیفزایید را اضافه کنید.

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (۷۵) وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (۷۶) إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ (۷۷) فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ (۷۸) لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (۷۹) تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۸۰) أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ (۸۱) وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ (۸۲)

۷۵. پس سوگند به جایگاه‌های ستارگان. ۷۶. و البته اگر می‌دانستید، این سوگندی بزرگ است. ۷۷. قطعاً این قرآنی کریم است. ۷۸. که در کتابی مستور [لوحی محفوظ] جای دارد. ۷۹. که جز پاکان بر آن دست نیازند. ۸۰. نازل شده‌ای از جانب پروردگار جهانیان است. ۸۱. پس آیا شما این سخن را سبک می‌گیرید؟ ۸۲. و نصیب خود را این قرار می‌دهید که آن را تکذیب کنید؟

با توجه به آیات فوق، قرآن خود را با ویژگی‌های زیر معرفی کرده است:

۱. قرآن کریم: «قرآن به طور مطلق، کریم و محترم است، و هم نزد خدا کریم و عزیز است، و هم بدین جهت کریم است که صفاتی پسندیده دارد، و هم بدین جهت که سود رسان برای خلق است، سودی که هیچ چیز جای آن را نمی‌گیرد، چون مشتمل بر اصول معارفی است که سعادت دنیا و آخرت بشر را تضمین می‌کند.»<sup>۲</sup>

جنبه‌های دیگر کریم بودن قرآن را می‌توان موارد زیر دانست:

- قرآن به زندگی انسان ارزش داده و او را از خواری نجات می‌دهد.
- قرآن متناسب با شرایط و موقعیت‌های افراد برای آنان دستورالعمل‌های مناسب دارد.
- عطا‌های قرآن سخاوتمندانه و بدون طلب اجر و مزد است.
- قرآن دارای ارزش ذاتی است و هیچ چیز نمی‌تواند به این ارزش تعرض نماید.
- کسانی که با قرآن انس می‌گیرند خلق و خوی‌شان کریمانه می‌شود.
- .....

۲. کتاب مکنون: «قرآن، محفوظ و مصون از هر دگرگونی و تبدیل است.»<sup>۳</sup>

۳. مسّ توسط مطهّرون: «آن کتاب مکنون که قرآن در آن است و یا قرآنی که در آن کتاب است، از دسترس اغیار و ناپاکان محفوظ است، و به جز پاکان کسی با آن مساس ندارد.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> قاموس، ماده «کرم»: (بر وزن فرس) و کرامت به معنی سخاوت، شرافت، نفاست و عزّت است؛ در صحاح و قاموس گوید: «الکرم ضلّة اللّوم» یعنی کرم ضلّة لتأمت است پس کریم به معنی سخی است چنانکه در دو کتاب فوق و اقرب الموارد آمده فَإِنَّ رَبِّيَ غَنِيٌّ كَرِيمٌ (سوره نمل، ۴۰). همانا پروردگار من بی‌نیاز و سخاوتمند است. در مصباح فیومی و اقرب الموارد آمده: «کرم الشّیء کرما: نفس و عزّ فهو کریم» بنابراین کریم به معنی نفیس و عزیز است فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (سوره مبارکه یس، آیه ۱۱). او را به غفران و مزدی شریف و نفیس بشارت ده. راغب می‌گوید: کرم اگر وصف خدا واقع شود مراد از آن احسان و نعمت آشکار خداست و اگر وصف انسان باشد نام اخلاق و افعال پسندیده اوست که از وی ظاهر می‌شود به کسی کریم نگویند مگر بعد از آنکه آن اخلاق و افعالی از وی ظاهر شود و هر چیزیکه در نوع خود شریف است با کرم توصیف می‌شود. پس در هر جا از قرآن لفظ کریم یا کرامت و یا فعل آن آمد با در نظر گرفتن تناسب محل می‌شود آن را به یکی از معانی چهار گانه که در اول گفته شد گرفت.

<sup>۲</sup> ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۲۳۸

<sup>۳</sup> ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۲۳۸

<sup>۴</sup> ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۲۳۸

۴. نازل شده از جانب رب العالمین: «قرآن کتابی است نازل شده از ناحیه خدا به سوی شما، آن را نازل و در خور فهم شما کرد، تا آن را بفهمید و تعقل کنید.»<sup>۱</sup>

با ارتباط دادن این چهار خصوصیت با سایر آیات سوره مبارکه واقعه می‌توان نقش قرآن را در رزق بودن برای انسان، به صورت منفی و مثبت، متوجه شد. همچنین می‌توان علت و سبب گروه‌بندی انسان‌ها با معیار قرآن‌دانی و عمل بر اساس قرآن بدیهی دانست. نیز با توجه به آیات این سوره می‌توان، اتحاد دو ثقل قرآن و عترت را مشاهده کرد.<sup>۲</sup>

سایر نکاتی را که در زمینه ویژگی‌های قرآن از سوره مبارکه واقعه به دست می‌آورد یادداشت فرمایید:

.....

.....

### گام دوم: فهم توصیف «قرآن حکیم»

برای فهم حکیم بودن قرآن به سوره مبارکه یس رجوع کرده، آیات ابتدایی آن را تا آیه دوازده مطالعه می‌کنیم. این آیات که در توصیف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است ابتدا به حکیم بودن قرآن اشاره دارد. «اگر قرآن را به وصف حکیم توصیف کرد، برای این است که حکمت در آن جای گرفته، و حکمت عبارت است از معارف حقیقی و فروع آن، از شرایع و عبرت‌ها و مواظب.»<sup>۳</sup> و می‌فرماید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَس (۱) وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (۲) إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۳) عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴) تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (۵) لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (۶) لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۷) إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ (۸) وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۹) وَ سَاءَ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰) إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَ أَجْرٍ كَرِيمٍ (۱۱) إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آتَاهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ (۱۲)

۱. یاسین. ۲. سوگند به قرآن حکیم، ۳. که قطعا تو از پیامبرانی، ۴. بر راهی راست. ۵. [و این قرآن] نازل شده آن عزیز مهربان است. ۶. تا مردمی را بیم دهی که پدرانشان بیم داده نشدند و از این رو ناآگاهند. ۷. [چون نپذیرفتند] وعده عذاب بی‌شک درباره اکثرشان تثبیت شد، پس ایمان نخواهند آورد. ۸. ما در گردن‌های آنها، تا چانه‌هایشان، غل‌هایی نهاده‌ایم، به طوری که سرهایشان را بالا نگه داشته‌اند [که زیر پایشان را نتوانند دید]. ۹. و ما در برابرشان حایلی نهادیم و در پشت سرشان حایلی و بر چشمانشان پرده افکندیم، پس ایشان نمی‌توانند دید. ۱۰. و تفاوتشان

<sup>۱</sup> ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۲۳۸

<sup>۲</sup> زیرا محور سوره مقربین هستند و این افراد همان مطهرون و همان کسانی هستند که با توجه به آنها اصحاب یمین و اصحاب شمال از هم متمایز می‌شوند. ناگفته نماند در سوره مبارکه حاقه صفت کریم به رسول نسبت داده شده است.

<sup>۳</sup> ترجمه المیزان، ج ۱۷، ص ۹۰



نمی‌کند، چه هشدارشان دهی چه هشدارشان ندهی، ایمان نمی‌آورند. ۱۱. تو فقط کسی را هشدار می‌دهی که تابع قرآن باشد و از خدای رحمان در نهان بترسد. پس او را به آموزش و پاداشی بی‌کران نوید ده. ۱۲. این ماییم که مردگان را زنده می‌کنیم و هر چه را از پیش فرستاده‌اند و آثارشان را می‌نویسیم، و همه چیز را در لوحی نمایان بر شمرده‌ایم.

حکیم بودن قرآن بر ارائه حقایق به صورت کاربردی دلالت دارد و متمسکین به آن را به جایگاه محکم که همان قدم صدق است راهنمایی می‌کند.<sup>۱</sup> با توجه به آنچه در آیات فوق آمده است درباره حکیم بودن قرآن می‌توان موارد زیر را بیان کرد:

- کسی که به قرآن اتکا نماید، به حکمت دست می‌یابد.
- انذار پیامبر صلی الله علیه و آله در جامعه با طرح آیات قرآن صورت گرفته است که:
  - الف. مردم را از غفلت خارج ساخته و می‌سازد. بنابراین یکی از شئون حکمت، در برطرف شدن غفلت است.
  - ب. موجب می‌شود تا اغلال<sup>۲</sup> و محدود کننده‌های شناخت از انسان برطرف شود. بنابراین یکی دیگر از شئون حکمت، در برطرف شدن غل‌ها و موانع شناخت است.
  - ج. موجب می‌شود تا فرد به علمی که موجب خشیت است دست یابد. بنابراین حکمت مانند آبی است که منجر به رویش نهال مراقبت و تقوا در درون انسان می‌شود. در این سوره نام این نهال «خشیت» است.

- با معجزه قرآن انذار پیامبر جاودانه شده است. به عبارت دیگر قرآن همان حکمت پیامبر است که همیشه و به راحتی در اختیار بشر است تا از انذار ایشان بهره کافی و متناسب ببرند.

- .....
- .....

### گام سوم: فهم توصیف «قرآن مجید»

برای فهم مجید بودن قرآن، سوره مبارکه ق را رو به روی خود گشوده، چند آیه ابتدایی و آیه انتهای آن را مطالعه کنید. لازم به ذکر است این واژه در سوره مبارکه بروج نیز بیان شده است.

---

<sup>۱</sup> آیات ابتدایی سوره مبارکه یونس

<sup>۲</sup> قاموس، ماده «غَلَّ»: (بضم غین) طوقی که بر گردن زنند. در مجمع آمده: «الغَلَّ: طوق یدخل فی العنق للذلِّ و اللام» یعنی: طوقی که برای ذلت و شکنجه به گردن نهند. در قاموس و اقرب آمده طوقی است که به گردن یا به دست نهند. راغب گوید: غَلَّ مختص است به آنچه با آن می‌بندند و اعضا در وسط آن قرار می‌گیرد ولی این با قرآن چندان سازگار نیست که قرآن اغلال را اغلب درباره گردن‌ها بکار برده و «أُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ» (سوره مبارکه رعد، آیه ۵). «وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا...» (سوره مبارکه سبأ، آیه ۳۳).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ق وَ الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ (۱) بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (۲) أِذَا مِتْنَا وَ كُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ (۳) قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَ عِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ (۴) بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ (۵) أ فَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَ زَيَّنَّاهَا وَ مَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (۶) وَ الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أُنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۷) تَبَصَّرَةٌ وَ ذَكَرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (۸) ...نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرَ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَ عِيدٍ (۴۵)

۱. قاف. سوگند به قرآن مجید [که این پیامبر، راستگو و رستاخیز حق است]. ۲. بلکه از اینکه هشدار دهنده‌ای از خودشان به سوی آنها آمد تعجب کردند و کافران گفتند: این چیز عجیبی است. ۳. آیا وقتی که مردیم و خاک شدیم [زنده می‌شویم]؟ این بازگشتی بعید است. ۴. قطعاً ما می‌دانیم که زمین از اجسادشان چه می‌کاهد، و پیش ما کتابی است که [همه چیز در آن] محفوظ است. ۵. [نه،] بلکه حقیقت را وقتی برایشان آمد دروغ خواندند، پس آنها در وضعی سر در گم قرار دارند. ۶. آیا به آسمان بالای سرشان نظر نکرده‌اند که آن را چگونه بنا کرده و [با ستارگان] زینتش داده‌ایم که هیچ گونه خلل و شکافی در آن نیست؟ ۷. و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های استوار افکندیم و در آن از هر نوع گیاهان خرم رویمانیم. ۸. تا مایه بصیرت و یادآوری برای هر بنده توبه کار باشد... ۴۵. ما بهتر می‌دانیم چه می‌گویند، و تو مأمور اجبار آنها [به ایمان] نیستی، پس به وسیله قرآن هر کس را که از تهدید من می‌ترسد متذکر ساز.

با توجه به سوره مبارکه ق می‌توان مطالب زیر را مورد توجه قرار داد:

- **مجد<sup>۱</sup>** به معنای عظمتی در وسعت و علو است و از آثار آن شکست ناپذیری، شرافت، کرم و رفعت است.<sup>۲</sup> بنابراین اگر کسی در مواجهه با آن به درک این عظمت و شکوه نرسد در واقع به مفاهیم قرآن دست نیافته است. لذا این موضوع را می‌توان به عنوان ملاکی در راهیابی به معانی و مفاهیم قرآن دانست.
- با توجه به مضامین سوره، مجد و شکوه قرآن، باعث علو و برتری قاری و حامل آن خواهد شد.
- علم داشتن و عمل نکردن به قرآن موجب خواری و ذلت فرد و جامعه خواهد شد. این مطلب از لوازم مجد و شکوه قرآن است. زیرا معاند، مخالف و یا بی‌تفاوت نسبت به قرآن فاقد مجد و شکوه است.

<sup>۱</sup> قاموس، ماده «مجد»: بزرگواری. در قاموس: گوید: «المجد نيل الشرف و الكرم» در مفردات آمده «المجد: السعة في الكرم و الجلال». در اقرب الموارد گفته: «المجد: العز و الرفعة» ناگفته نماند مجد آن بزرگواری است که از کثرت خیر و فضل ناشی میشود. زیرا اصل مجد چنانکه در اقرب الموارد تصریح شده بمعنی کثرت است. راغب گوید: «مجدت الابل» آنگاه گویند که شتر در چراگاه وسیع و کثیر العلف قرار گیرد. و نیز گوید خدا را در اثر کثرت فضل مجید گویند (نقل به معنی). رَحِمَتَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (سوره مبارکه هود، ۷۳).

<sup>۲</sup> التحقيق، ماده «مجد»: هو عظمه في سعة و علو. و من آثاره العزة و الشرف و الكرم و الرفعة. ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۵۰۴: در مجمع البیان می‌گوید: کلمه «مجد» که کلمه «مجید» از آن اشتقاق یافته به معنای شرف وسیع است، وقتی گفته می‌شود «مجد الرجل و مجد» -به فتح و ضم جیم- که بزرگواری و کریم باشد و در اصل این کلمه از این قول گرفته شده که می‌گویند: «مجدت الابل مجودا» یعنی شتر آن قدر علف بهاری خورده که شکمش بزرگ شده است.

- .....
- .....

### گام چهارم: فهم توصیف «قرآن مبین»

سوره مبارکه حجر را رو به روی خود گشوده و آیات ابتدایی و انتهایی آن را مطالعه کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرِّبَاكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَ قُرْآنٍ مُبِينٍ (۱) رَبُّمَا يَوْمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (۲) ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَ يَتَمَتَّعُوا وَ يُلْهِمُهُمُ الْأَمْلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۳) وَ مَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ (۴) مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَ مَا يَسْتَأْخِرُونَ (۵) وَ قَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (۶) لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۷) مَا نُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ (۸) إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۹) ... وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ (۸۷) لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (۸۸) وَ قُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ (۸۹) كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ (۹۰) الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ (۹۱) فَو رَبِّكَ لَنَسْتَلْتَهُمْ أَجْمَعِينَ (۹۲) عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۳) فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (۹۴) إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ (۹۵) الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۹۶) وَ لَقَدْ نَعَلْنَاكَ أَنْتَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ (۹۷) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (۹۸) وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (۹۹)

۱. الف لام را. این آیات کتاب و قرآن روشنگر است. ۲. چه بسا کسانی که کافر شدند آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند. ۳. آنها را بگذار تا بخورند و بهره گیرند و آرزوها سرگرمشان کند، ولی به زودی خواهند دانست. ۴. و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر اینکه برای آن اجلی معین بود. ۵. هیچ امتی از اجل خویش نه پیش می افتد و نه پس می ماند. ۶. و گفتند: ای کسی که قرآن بر او نازل شده، تو به یقین دیوانه ای. ۷. اگر راست می گویی چرا فرشته ها را نزد ما نمی آوری؟ ۸. ما فرشتگان را جز به حق نمی فرستیم و در آن هنگام دیگر مهلت داده نمی شوند. ۹. بی تردید ما خود این قرآن را نازل کردیم و قطعا ما خود نگهدار آیم. ... ۸۷. و به راستی تو را سبع المثنی (سوره فاتحه) و قرآن بزرگ عطا کردیم. ۸۸. چشمان خود را به امکاناتی که به گروه هایی از آنها داده ایم خیره مکن، و برای ایشان اندوه مخور، و بال محبت خود را بر مؤمنان بگستر. ۸۹. و بگو: من همان هشدار دهنده آشکارم [به عذابی سخت]. ۹۰. آن سان که بر تجزیه گران [آیات الهی] نازل کردیم. ۹۱. همانان که قرآن را بخش بخش کردند [برخی را قبول، برخی را مردود و برخی را شعر یا سحر نامیدند]. ۹۲. پس سوگند به پروردگارت که همه آنها را بازخواست خواهیم کرد، ۹۳. از آنچه انجام می دادند. ۹۴. پس آنچه را بدان دستور می یابی آشکار کن و از مشرکان روی بگردان. ۹۵. ما شرّ مسخره کنندگان را از تو دور می سازیم. ۹۶. همانان که با خدا معبود دیگری قرار می دهند، اما به زودی خواهند دانست. ۹۷. و ما به خوبی می دانیم که تو از آنچه می گویند دلتنگ می شوی. ۹۸. پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش. ۹۹. و پروردگارت را بندگی کن تا وقتی که تو را مرگ فرا رسد.

از مبین بودن قرآن که به معنای روشن‌گر و واضح کننده است می‌توان چنین برداشت کرد که:

- «این آیات بلند مرتبه و رفیع الدرجه‌ای که ما به تو نازل کردیم آیات کتاب الهی است، آیات قرآن عظیم الشان است که جدا کننده حق از باطل است.»<sup>۱</sup>
- با خواندن هر آیه‌ای از قرآن باید بابتی از علم به روی انسان گشوده شده و مسیری از هدایت برای او هموار شود.
- اگر کسی نتواند از مبین بودن قرآن بهره ببرد، نه تنها از منفعت ذکر بودن آن حظی نمی‌برد، بلکه باعث می‌شود تا رسول آن را مجنون پندارد.
- اگر کسی نتواند از مبین بودن قرآن بهره ببرد، قرآن را به نفع خود تفسیر کرده، آن را بخش بخش می‌کند.

.....  
.....

### گام پنجم: قرآن ذی‌الذکر

سوره مبارکه «ص» را گشوده و این آیات را مطالعه کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ (۱) بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ (۲)

۱. سوگند به قرآن صاحب ذکر ۲. بلکه آنان که کافر شدند در سرکشی و مخالفتند.

بعد از این معرفی درباره قرآن که خود را «ذی‌الذکر» می‌خواند، به واکنش کافران در برابر این مقام می‌پردازد و بیان می‌دارد آنان به عزت خیالی خود بالیده و نسبت به قرآن مخالفت می‌ورزند و زیر بار قرآن که صاحب ذکر است، نمی‌روند.

در ادامه سوره مبارکه پس از آنکه ذکر برخی از انبیا با صفت اواب آمده، با آیات زیر مواجه می‌شویم:

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (۲۷) أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (۲۸) كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (۲۹)

۲۷. و ما آسمان و زمین و هر چه را بین آنهاست بازیچه و باطل خلق نکرده‌ایم، این گمان کافران است، و وای بر کافران از آتش دوزخ. ۲۸. آیا ما آنان را که ایمان آورده و به اعمال نیکو پرداختند مانند مردم مفسد در زمین قرار می‌دهیم؟ یا مردمان با تقوا و خداترس را مانند فاسقان بدکار قرار می‌دهیم؟ ۲۹. کتابی مبارک است که به سوی تو نازل کردیم، تا اولوالالباب در آیاتش تدبر کنند و تذکر گیرند.

<sup>۱</sup> ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۱۳۹

ذکر که دور بودن انسان از غفلت و فراموشی است در موقعی به کار می‌رود که حقیقتی وجود دارد و لازم است نسبت به آن توجهی صورت گیرد. لذا با توجه به محتوای سوره مبارکه ص می‌توان موارد زیر را درباره ذی‌الذکر بودن قرآن دریافت:

- قرآن متضمن و محتوی ذکر است که همان یادآوری اوست به توحیدش و به معارف حقی که از توحید او سرچشمه می‌گیرد.
- انسان با ذکر بودن قرآن در واقع خود، حقیقت خود، مسیر حقی که باید طی کند و مقصدی که باید برسد را درک کرده، به آن توجه می‌نماید و از بی‌خبری نسبت به آن و یا فراموشی آن منصرف می‌شود.
- از آنجایی که ذکر در مقابل غفلت و نسیان است، «در معیت قرآن ذی‌الذکر بودن» باعث می‌شود که انسان هیچ‌گاه از معارف حق الهی جدا نباشد.
- ذی‌الذکر بودن قرآن، موجب فعال بودن قوه ذکر در انسان و تدبیر در قرآن می‌شود و راه را برای ایمان و عمل صالح انسان فراهم می‌نماید.

• .....

• .....

### گام ششم: قرآن قول فصل

سوره مبارکه طارق را گشوده و آیات زیر را با توجه به مفهوم کلی سوره مطالعه کنید.

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۱) وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱۲) إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ (۱۳) وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴)

۱۱. سوگند به آسمان [پر باران]، ۱۲. و قسم به زمین شکاف پذیر [برای رشد گیاهان]. ۱۳. که این [قرآن] سخنی قاطع است. ۱۴. و آن بیهوده و شوخی نیست.

فصل در معنای جداسازی، زمانی به کار می‌رود که بین مسائل متعدد تمایز ایجاد شود و با این تمایز، حدود و محدوده هر چیز به خوبی قابل تفکیک است. بر این اساس و با توجه به آیات فوق می‌توان گفت:

- قرآن بین حق و باطل تمایز ایجاد می‌کند.
- «آنچه را قرآن ثابت می‌کند حق محض است، که شکی در آن نیست، و چون حق است هیچ باطلی نمی‌تواند آن را باطل سازد، و هر باطلی در صدد ابطال آن بر آید باطل بدون تردید است.»<sup>۱</sup>
- به خیال برخی از افراد، همه یا بخشی از قرآن دارای حیثیتی وابسته به زمان است. از این رو آن بخش‌ها را از حوزه استفاده انسان خارج می‌کنند.

• .....

<sup>۱</sup> ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۴۳۳

## شناخت ویژگی های قرآن با توجه به روایات

روایات فراوانی در مورد ویژگی های قرآن آمده است. تامل و دقت در این روایات که بخشی از آن در درس های ابتدایی کتاب آمد، نوع نگاه انسان و جامعه را نسبت به قرآن به شکل ویژه ای تغییر می دهد. به نمونه ای از این روایات توجه نمایید:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ فِي دَارِ هُدًى وَ أَنْتُمْ عَلَى ظَهْرِ سَفَرٍ وَ السَّيْرِ بِكُمْ سَرِيعٌ وَ قَدْ رَأَيْتُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ يُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ وَ يُقَرِّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ وَ يَأْتِيَانِ بِكُلِّ مَوْعُودٍ فَأَعِدُّوا الْجَهَّازَ لِبُعْدِ الْمَجَازِ قَالَ فَقَامَ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا دَارُ الْهُدَى قَالَ دَارُ بَلَاغٍ وَ انْقِطَاعٍ فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَاعْلَمُوا بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَ مَاحِلٌ مُصَدَّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَ هُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلَى خَيْرِ سَبِيلٍ وَ هُوَ كِتَابٌ فِيهِ تَفْصِيلٌ وَ بَيَانٌ وَ تَحْصِيلٌ وَ هُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ ظَاهِرُهُ أُنْبِيٌّ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَهُ نُجُومٌ وَ عَلَى نُجُومِهِ نُجُومٌ لَا تُحْصَى عَجَابُهُ وَ لَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ وَ دَلِيلٌ عَلَى الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَةَ فَلْيَجْلُ جَالٍ بَصْرَهُ وَ لِيُبْلِغِ الصِّفَةَ نَظْرَهُ يَنْجُ مَنْ عَطَبٍ وَ يَتَخَلَّصُ مِنْ نَسَبٍ فَإِنَّ التَّفَكَّرَ حَيَاةَ قَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ فَاعْلَمُوا بِحُسْنِ التَّخَلُّصِ وَ قِلَّةِ التَّرَبُّصِ<sup>۱</sup>

حضرت صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث فرماید که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم شما اکنون در دنیا و خانه سازش و صلح هستید و در سر راه سفر هستید و به شتاب شما را خواهند برد، و شما می نگرید که شب و روز و خورشید و ماه هر تازه ای را کهنه کنند و هر دوری را نزدیک سازند و هر وعده ای را به سر رسانند، پس اسباب و وسایل زیادی فراهم کنید برای اینکه گذرگاه درازی در پیش است.

فرمود: پس مقداد بن اسود برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا خانه سازش یعنی چه؟ فرمود: خانه ای که رساننده است (انسانی را به گور رساند، یا در آن خانه، کردار نیک ذخیره شود برای رسیدن به منزل های آخرت) و جداکننده (یعنی انسان را از علایق دنیا جدا کند) پس هر گاه آشوب ها چون شب تار شما را فرا گرفت به قرآن رو آورید (و بدان چنگ زنید)، زیرا:

۱. آن است شفيعی که شفاعتش پذیرفته است. (درباره کسی که بدان عمل کند)،
۲. و گزارش دهنده است از بدی ها که گفته اش (درباره آن کس که بدان عمل نکرده) تصدیق شده است،
۳. هر که آن را پیشوای خود کرد به بهشتش رهبری کند،

<sup>۱</sup> کافی، ج ۲، ص ۵۹۹؛ همان، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۳۹۸

۴. و هر که (از آن پیش افتد و) آن را پشت سر خود قرار دهد به دوزخش کشاند،
  ۵. و قرآن راهنمایی است که به بهترین راهها راهنمایی کند،
  ۶. و کتابی است که در آنست تفصیل و بیان و تحصیل (به دست آوردن حقایق)،
  ۷. و آنست جداکننده (میان حق و باطل) شوخی و سرسری نیست.
  ۸. برای آن ظاهری است و باطنی،
  ۹. پس ظاهرش حکم و دستور است و باطنش علم و دانش،
  ۱۰. ظاهرش جلوه و زیبایی دارد و دارای باطنی ژرف و عمیق است،
  ۱۱. ستارگانی دارد و ستارگانش هم ستارگانی دارد (آنچه ترجمه شده بنا بر نسخه‌ای «نجوم» است و در برخی از نسخه‌ها «تخوم» است که آن به معنای پایان هر چیزی است).
  ۱۲. شگفتی‌هایش به شماره در نیاید،
  ۱۳. و عجایبش کهنه نشود،
  ۱۴. در آنست چراغ‌های هدایت،
  ۱۵. و جایگاه نور حکمت،
  ۱۶. و راهنمای معرفت است برای آن کس که بشناسد صفات را (مجلسی رحمت الله علیه گوید: یعنی صفاتی که موجب مغفرت است یا صفت شناسایی و استنباط را).
- پس باید شخص تیزبین دقت نظر کند و دقت نظر را تا به درک صفت آن ادامه دهد،
۱۷. که نجات بخشد آن کس را که به هلاکت افتاده،
  ۱۸. و رهایی بخشد آن را که راه رهایی ندارد،
- زیرا اندیشیدن است که زندگانی دل بینا است، چنانچه آن کسی که جویای روشنی است در تاریکی‌ها به وسیله نور راه را پیماید، بر شما باد که نیکو برهید و کم انتظار برید.
- در روایت فوق:

- ابتدا ویژگی‌های دنیایی که انسان در آن زندگی می‌کند بیان شده است.
- آنگاه خطرات پیش روی انسان بیان شده است.
- قرآن به عنوان عامل قطعی برای نجات معرفی شده است.
- ویژگی‌های قرآن به تفصیل بیان شده است.
- تفصیل، بیان و تحصیل سه وصف برای کتاب بودن قرآن بیان شده است.
- .....

## شناخت ویژگی‌های قرآن در همه قرآن

قرآن دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که این ویژگی‌ها را می‌توان در تک تک کلمات، آیات و سوره‌هایش مشاهده کرد. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

### ۱. قرآن، برای تمام زمان‌هاست.

با مطالعه هر آیه‌ای از آیات قرآن به خوبی می‌توان دریافت که قرآن مربوط به زمان خاصی نیست، «زیرا بیان آن نسبت به مطالب و مقاصدی که در نظر دارد محدود به زمان خاص نبوده، تام و کامل است و اعتبار و صحتش محدود به وقت و مخصوص زمان معینی نیست.»<sup>۱</sup>

### ۲. ظاهر و باطن قرآن هر دو از کلام، اراده شده‌اند.

در اینکه قرآن دارای ظاهر و باطن است کسی تردید ندارد ولی در مورد اینکه آیا هر دو اراده شده یا تنها اکتفای به ظاهر مراد است نظرهای متفاوتی است. با توجه به آیات قرآن و این استدلال «که ظاهر و باطن در طول هم بوده نه در عرض همدیگر؛ نه اراده ظاهر لفظ، اراده باطن را نفی می‌کند و نه اراده باطن، مزاحم اراده ظاهر است. (می‌توان گفت: بیانات قرآن مجید نسبت به بطونی که دارند، جنبه مثل به خود می‌گیرند، یعنی نسبت به معارف الهیه که از سطح افهام عادی بسی بلندتر و بالاتر است، مثل‌هایی هستند که برای نزدیک کردن معارف نامبرده به افهام زده شده اند. چنانکه ملاحظه می‌شود، از آیه کریمه «و لا تشركوا به شیئاً؛ خدا را پرستید و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید.»<sup>۲</sup> در ابتدا فهمیده می‌شود که نباید بت‌ها را پرستش نمود و با نظری وسیع‌تر، فهمیده می‌شود که انسان از دیگران، به غیر اذن خدا پرستش نکنند و با نظری وسیع‌تر از آن، دانسته می‌شود که انسان حتی از دلخواه خود نباید پیروی کند و با نظر وسیع‌تر از آن، نباید از خدا غفلت کرد و به غیر او التفات داشت.

همین ترتیب، یعنی ظهور یک معنای ساده ابتدایی از آیه و ظهور معنای وسیع‌تری به دنبال آن و همچنین ظهور و پیدایش معنایی در زیر معنایی، در سر تا سر قرآن مجید جاری است و با تدبیر در این معانی، معنای حدیث معروف که از پیغمبر صلی الله علیه و آله، مأثور و در کتب حدیث و تفسیر نقل شده است: «ان للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطناً الی سبعة أبطن» روشن می‌شود.<sup>۳</sup> و<sup>۴</sup>

### ۳. ظواهر قرآن، حجت است.

<sup>۱</sup> برگرفته از کتاب قرآن در اسلام، ص ۴۳

<sup>۲</sup> سوره مبارکه نساء، آیه ۳۶

<sup>۳</sup> تفسیر صافی، مقدمه ۸؛ سفینه البحار، ماده «بطن»

<sup>۴</sup> برگرفته از کتاب قرآن در اسلام، ص ۴۳



اینکه قرآن دارای باطن‌های متعددی است باعث نمی‌شود که دلالت ظاهر خود را تحت‌الشعاع قرار دهد، «زیرا قرآن مجید، از سنخ کلام است و مانند سایر کلام‌های معمولی، از معنی مراد خود کشف می‌کند و هرگز در دلالت خود گنگ نیست و از خارج نیز دلیلی وجود ندارد که مراد تحت‌اللفظی قرآن، جز آن است که از لفظ عربی‌اش فهمیده می‌شود. برخی گفته‌اند در تفهیم مرادات قرآن، به بیان تنها پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یا به بیان آن حضرت و بیان اهل‌بیت گرامی‌اش باید رجوع کرد. ولی این سخن قابل قبول نیست، زیرا حجیت بیان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان اهل‌بیت علیهم السلام را تازه از قرآن باید استخراج کرد و بنابراین چگونه متصور است که حجیت دلالت قرآن، به بیان ایشان متوقف باشد، بلکه در اثبات اصل رسالت و امامت باید به دامن قرآن، که سند نبوت است چنگ زد.

و البته آنچه گفته شد، منافات ندارد با اینکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل‌بیت علیهم السلام، عهده‌دار بیان جزئیات قوانین و تفصیل احکام شریعت - که از ظواهر قرآن به دست نمی‌آید - بوده‌اند.<sup>۱</sup>

#### ۴. قرآن، برای همه است

«قرآن مجید در مطالب خود اختصاص به امتی از امم مانند امت عرب یا طایفه‌ای از طوایف مانند مسلمانان ندارد، بلکه همانند مسلمانان با طوایف خارج از اسلام، سخن می‌گوید؛ دلایل خطابات<sup>۲</sup> بسیاری است که به عنوان کفار و مشرکین و اهل کتاب و یهود و بنی اسرائیل و نصاری دارد و با هر طایفه‌ای از این طوایف، به احتجاج پرداخته، آنان را به سوی معارف حقه خود دعوت می‌کند و همچنین با هر یک از این طوایف، به احتجاج و دعوت می‌پردازد و هرگز خطاب خود را مقید به عرب بودن آنان نمی‌کند.»<sup>۳</sup>

#### ۵. یکی از توصیفات قرآن برای خود آورده «مثنائی» است.

«ظاهراً «مثنائی» جمع «مثنیه» (به فتح میم) یعنی اسم مفعول از ماده «ثنی» باشد که به معنای عطف و برگرداندن باشد و آیات قرآنی را از این رو مثنائی نامیده که بعضی مفسر بعضی دیگر است و وضع آن دیگری را روشن می‌کند، و هر یک به بقیه نظر و انعطاف دارد، همچنان که جمله «کِتَاباً مُتَشَابِهاً مِثْنائی» اشاره به این معنا دارد، برای اینکه هم آن را متشابه خوانده که معنایش شباهت بعضی آیات آن با بعضی دیگر است، و هم مثنائی نامیده. و در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز آمده که در صفت قرآن فرموده: «بعضی از آن بعضی دیگر را تصدیق می‌کند». و همچنین از علی علیه السلام نقل شده که فرموده است: «قرآن بعضی آیاتش ناطق به حال بعضی دیگر، و بعضی از آن شاهد بر

<sup>۱</sup> برگرفته از کتاب قرآن در اسلام

<sup>۲</sup> این خطابات و احتجاجات در آیات بسیاری است و نیازی به نقل آنها نیست، مثلاً آیه ۱۱ سوره مبارکه توبه و آیه ۶۴ سوره مبارکه آل عمران.

<sup>۳</sup> برگرفته از کتاب قرآن در اسلام، ص ۳۷

بعضی دیگر است». ممکن است کلمه مذکور را نیز جمع «مثنی» به معنی مکرر بگیریم، که باز کنایه از این می‌شود که بعضی از آیاتش بعضی دیگر را بیان می‌کند.<sup>۱</sup>

برای یافتن این ویژگی‌ها در آیات قرآن، ابتدا قرآن را دست گرفته به نیت سعادت‌مندی خود و دیگران آن را بگشایید، آیه یا آیاتی از آن را انتخاب کنید و با در نظر گرفتن آن آیات، مطالب یاد شده در این درس را مطالعه کنید.<sup>۲</sup> می‌توانید آیات ۳۶ تا ۳۸ سوره مبارکه نساء را انتخاب کنید.<sup>۳</sup>

نتایج بررسی آیات انتخابی را با توجه به ویژگی‌های یاد شده مانند نمونه یادداشت نمایید.

۱. قرآن برای همه زمان‌هاست:

• سه آیه یاد شده از سوره مبارکه نساء مربوط به همه زمان‌هاست، زیرا این آیات دارای قید زمانی نیستند.

• .....

۲. قرآن هم ظاهر و هم باطن دارد:

• ظاهر و باطن بخشی از آیات یاد شده از بیان حضرت علامه ذکر شد.<sup>۴</sup>

• .....

۳. ظواهر آیات حجت است:

• در سه آیه یاد شده نهی به شرک نورزیدن، امر به احسان، و توبیخ نسبت به بخل و نهی انفاق از روی ریا،

ظواهر کلام هستند که همگی بدون هیچ توجیهی تکلیف آورند.

• .....

۴. آیات برای همه است:

• سه آیه یاد شده استثنا بردار نیستند.

• .....

۵. قرآن مثالی است:

---

<sup>۱</sup> ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۲۸۲

<sup>۲</sup> این کار از آن جهت توصیه می‌شود که همگان این ویژگی‌ها را در همه قرآن ساری و جاری بدانند.

<sup>۳</sup> وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا (۳۶) الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (۳۷) وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (۳۸)؛

۳۶. و خدا را بندگی کنید و چیزی را با او شریک نگردانید و به پدر و مادر احسان کنید، و به خویشان، یتیمان، درماندگان، همسایه نزدیک، همسایه دور، دوست همنشین [همکار و غیره]، در راه مانده و بردگان خود نیکی کنید. همانا خداوند کسی را که خودبین و فخر فروش باشد دوست نمی‌دارد.

۳۷. همان کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل و می‌دارند، و آنچه را خدا از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پنهان می‌دارند. و برای کافران عذابی خفت بار آماده کرده‌ایم. ۳۸. و کسانی که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و قیامت اعتقاد ندارند [همنشین شیطانند]. و کسی که شیطان همدم وی باشد بد همدمی است.

<sup>۴</sup> در ذیل عنوان «قرآن، هم ظاهر و هم باطن دارد».

- سه آیه یاد شده به نوعی هر یک به دیگری برگشت پیدا می‌کنند. شرک ریشه ریا و ریا بروز شرک و بخل عامل کتمان آنچه خدا به فرد داده و بروزی دیگر از شرک است. هر سه آیه می‌توانند با هم تفسیر شوند.
- .....

درس دوم

برخی از روش‌های مطالعه و فهم قرآن

## بالا بردن زمینه‌های لازم برای فهم قرآن

برای فهم شیوه‌های مطالعه قرآن لازم است به شیوه دریافت‌های علمی و معنوی در انسان واقف شد؛ زیرا قرآن به عنوان خزائن علم و قدرت، به وسیله پیامبر در اختیار انسان قرار گرفته است تا او با قوا و نیروهایی که خداوند به او عطا کرده از این منبع بی‌بدیل در جهت رشد و فلاح خود و جامعه‌اش بهره‌مند شود.

لذا این انسان است که با دو ساحت فردی و اجتماعی و با قوا و نیروهایی در خدمت قرآن قرار می‌گیرد و لازم است متناسب با توان خود و تکلیفی که برای او شده است از آن بهره‌مند شود. هر چه انسان شناختش نسبت به خود، جامعه، هستی و هستی‌آفرین بیشتر شود و از عمل و طهارت حظّ و بهره بیشتری داشته باشد، از قرآن نیز بهره فزون‌تری دارد.

سرّ تنوع استفاده از قرآن و بهره‌مندی بیشتر برخی نسبت به برخی، در همین موضوع است. بدین ترتیب اگر کسی از تجربه زندگی بیشتری برخوردار باشد و نیز قدرت تحلیل وقایع و حوادث را داشته باشد به شرط طهارت، توان فهم بیشتری نسبت به قرآن پیدا می‌کند.

فعال شدن تفکر و تعقل در انسان و تقویت و سرعت بخشیدن در عمل خیر، رمز فهم قرآن است؛ زیرا در این صورت است که فرد و جامعه با مسائل و نیازهای جدیدی روبرو شده، پاسخ آن را در قرآن دریافت می‌دارد. بنابراین فعال کردن دو رکن ادراک و عمل در زندگی به طور مستقیم در فهم قرآن برای فرد اثر می‌گذارد.

لازم به ذکر است افزایش علم بدون افزایش عمل موجب کندی در مسیر پیشرفت و نقص حرکت و فهم قرآن می‌شود.

به همین دلیل نیز روش‌های مطالعه و فهم قرآن بر دو رکن فوق استوار است و بر اساس نوع استفاده انسان از قرآن انواع روش‌ها به وجود می‌آید.

الف. روش‌های مطالعه قرآن از نظر شیوه تجزیه و تحلیل و عمل (با توجه به ادراک و عمل)

ب. روش‌های مطالعه از جهت ساختار خواندن

ج. روش‌های مطالعه قرآن از نظر قالب مطالعه (با توجه به امکان‌های مختلف قرائت)

## الف. روش‌های مطالعه قرآن با توجه به ادراک و عمل

با توجه به اینکه عمق نگاه و مطالعه انسان می‌تواند متفاوت باشد روش‌های مطالعه او نیز متفاوت است. برای درک بهتر، این مراتب را با انتخاب سوره‌ای به صورت عملی تجربه می‌کنیم.

سوره انتخابی: سوره مبارکه قارعه

ابتدا سوره را با ترجمه‌ای از آن مطالعه می‌کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند هستی بخش مهربان
القَارِعَةُ (۱)	آن واقعه کوبنده.
مَا الْقَارِعَةُ (۲)	چه کوبنده‌ای! [که قابل وصف نیست]
وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳)	و تو چه می‌دانی آن کوبنده چیست؟
يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴)	روزی که مردم مانند پروانگان پراکنده باشند.
وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵)	و کوه‌ها چون پشم رنگین حلاجی شده شوند.
فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)	پس اما هر که وزنه اعمالش سنگین باشد،
فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۷)	پس وی در یک زندگی رضایت بخشی است.
وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸)	و اما آنکه وزنه اعمالش سبک شود،
فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (۹)	پس جایگاهش هاویه است.
وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ (۱۰)	و تو چه می‌دانی آن چیست؟
نَارٌ حَامِيَةٌ (۱۱)	آتشی سوزنده است.

برخی از مراتب توجه و ادراک آیات و سوره‌های قرآن را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

### انس با آیات و سوره‌ها

انس با چیزی به معنای دور شدن حالت دوری و کراهت است. در این حالت برای انسان همراه و قرین بودن با مأنوس خود بسیار مطلوب است. انس در اثر همجواری، هم‌افقی، هم‌جهتی و هم‌راستایی به وجود می‌آید. تکرار مطالعه و رفت و برگشت بر روی مطلبی می‌تواند منجر به انس شود.

طبیعی است انس هم می‌تواند مقدمه ارتباط و هم نتیجه ارتباط باشد.

برای انس یافتن با سوره مبارکه قارعه:

- آن را با لحن‌های مختلف بخوانید.

- در یک هفته سعی کنید، هر روز بعد از نمازها و یا در نوافلها به صورت مرتب این سوره را بخوانید.

- سعی کنید تفسیری از سوره مطالعه کنید.
  - در گفتگوهای روزانه خود از پیام‌های سوره و یا مثال‌های آن با دیگران گفتگو کنید.
  - در مورد مضامین آن تفکر نمایید. به ویژه در نیمه‌های شب.
- طبیعی است که انس با چیزی سبب می‌خواهد و مهم‌ترین سبب، توجه جهت‌دار و هم‌سنخی است. و البته در انس حدی وجود ندارد.

### تفکر در سوره‌ها، آیات و واژه‌های قرآن

تفکر در قرآن به معنای دقت در مضامین لغات، آیات و سوره‌های قرآن برای فهم معانی و کشف روابط بین آنها و دریافت حقیقت از لای متن و ظاهر آنست. در این راستا لازم است فرد با قوای تصویرگری خود و نیز با قوه استدلال و استنتاجش، مطالب را در صحیفه جان خود حاضر نماید و از رهگذر این تصور، استدلال، چیدمان و رابطه‌گیری به پیام‌های جدید دست یابد.

فردی که در قرآن تفکر می‌کند در نظر دارد تا از هر داستان، مثل، امر و نهی و ... رابطه‌ای را کشف نموده و حقیقتی از این عالم را دریافت نماید. بنابراین اگر این قوه تفکر از انسان سلب شود امکان ارتباط دهی مطالب و فهم پیام‌ها و ارتباط با ملکوت و غیب عالم برای او محقق نخواهد بود.<sup>۱</sup>

برای تفکر در سوره مبارکه قارعه مراحل زیر را پی بگیرید:

- مرحله اول: موضوعاتی که در سوره از آن سخن رانده شده است.

در این حالت لازم است مانند نمونه زیر سوره را موضوع بندی کنیم:

موضوع ۱. معرفی قیامت با وصف کوبندگی

موضوع ۲. ویژگی‌های روز قیامت

موضوع ۳. معرفی اساس ارزش‌گذاری در آن روز

موضوع ۴. ....

موضوع ۵. ....

- مرحله دوم: عناصر هر موضوع را به تفکیک بیان و تصویر سازی نمایید.

عناصر موضوع ۱. کوبش و به هم ریختن

عناصر موضوع ۲. انبوه پروانگان و جمع شدن به علاوه کوه‌هایی که به صورت پشم حلاجی شده‌اند.

عناصر موضوع ۳. سنگینی و سبکی و ترازو

عناصر موضوع ۴. ....

<sup>۱</sup> به کتاب پرورش تفکر قرآنی از همین مجموعه رجوع شود.

عناصر موضوع ۵. ....

- مرحله سوم: ارتباط بین موضوعات با هم

انسان + روز قیامت و وضعیت عالم در آن روز + مشاهده حق و اعمال + محاسبه + پاداش + جزا + ..... +

.....

مرحله چهارم: گزاره‌هایی منطقی از سوره

روز قیامت روز سختی است.

در آن روز اعمال محاسبه شده به نسبت حظ و بهره‌ای که از حق دارد پاداش یا جزا می‌بیند.

هاویه جایگاه دوزخیان در روز قیامت است که به واسطه سبک بودن میزان از حق، نصیب فرد می‌شود.

.....

.....

### تعقل در واژه‌ها، آیات و سوره‌ها

بهره‌مندی از تفکر زمینه شکوفایی عقل را در محضر قرآن فراهم می‌سازد به این ترتیب که پیام‌هایی که از قرآن استنباط می‌شود، پیام‌هایی حقیقی است. این پیام‌ها همان گزاره‌هایی هستند که برای تعقل در زندگی در هر کاری باید مبنا قرار بگیرد. بنابراین با تعقل در آیات، گزاره‌های حقیقی قابل استناد برای هر باور، عمل و عکس‌العملی به دست می‌آید. و بدین ترتیب فرد می‌تواند از این رویکرد، قرآن را در مهم‌ترین میزان و ملاک زندگی‌اش، یعنی عقل، وارد و جاری نماید.

فردی که تعقل می‌کند در صدد یافتن گزاره‌های حقیقی قابل استناد است و با توجه به آیات نورانی می‌تواند به حقایق ثابت از آفرینش دست یابد. این حقایق مبنای زندگی حقیقی او در دنیا و آخرت خواهد بود. برای نمونه به سوره مبارکه قارعه مراجعه کرده، این سوره را مجدداً مطالعه کنید و گزاره‌های عقلی آن را استخراج کنید.

طبیعی است در بیان کلامی (در متن عبارات) گزاره‌های عقلی مشابه گزاره‌های تفکری بیان می‌شوند ولی در بیان حقیقی (در عمل انسان)، این گزاره‌ها مورد اسناد عمل و باور فرد، واقع می‌شوند. لذا در واقع هر گاه گفته می‌شود تعقل انجام شده، ناظر به بیان حقیقی است و بیان کلامی تنها به عنوان نشانه علمی برای تعقل است.

برخی از این گزاره‌ها عبارتند از:

- معیار سنجش روز قیامت حق است.

- با معیار حق، انسان لایق آتش یا زندگی رضایت‌بخشی می‌شود.

- زندگی رضایت‌بخش تنها در صورتی نصیب انسان می‌شود که اعمال او از حق بهره داشته باشد.

..... -



- .....

اگر گزاره اول در صحنه زندگی فرد قرار گیرد ابتدا در جستجوی مصادیق حق در زندگی افتاده و سپس اعمال خود را در راستای حق قرار می‌دهد و البته چنین کسی هم اکنون در «عیشة راضیة» است. در تعقل، فرد به مرحله‌ای پا می‌گذارد که لازم است با حقایق یک سوره مبارکه به قدری انس بگیرد که همیشه پیش روی او باشد.

### تدبر در واژه‌ها، آیات و سوره‌ها

تدبر به معنای توجه به عاقبت چیزی است. تدبر در قرآن به معنای توجه به عاقبت در نظر گرفته شده برای کلمات، آیات و مضامین سوره است.

در یک کلام مختصر، تدبر در قرآن به معنای اینست که انسان عاقبت کلام وحی را متناسب با ظرف خود متوجه شده و در راستای آن عاقبت قرار گیرد. مهم است که انسان بداند خداوند از او چه خواسته است. لذا در این بررسی لازم است عاقبتی که خداوند برای بنده در نظر گرفته است را متوجه شود. حال ممکن است عاقبت مضمون و غرض کل سوره یا آیه‌ای خاص و یا یک کلمه باشد.

برای این منظور جریان افق دید و برنامه‌ریزی برای عمل و اصلاح نیز در ساحت تدبر وارد می‌شود.

برای نمونه سوره مبارکه قارعه را تدبر می‌کنیم.

در تدبر این سوره لازم است به سؤالات زیر پاسخ داده شود.

- چرا خداوند این سوره را نازل کرد؟
- آیات نورانی آن، دارای چه پیام مهم و اساسی برای انسان و جامعه اوست؟
- آیا حق این سوره دارای مصداق بیرونی نیز هست؟ آیا این مصداق بیرونی همان ولایت نیست؟
- چگونه این سوره می‌تواند انسان را با ولیّ حق، ولایت الله مرتبط و از ولایت طاغوت رها سازد؟

سایر سؤالات عاقبت‌گرایانه از سوره را بنویسید:

- .....

- .....

در تدبر علاوه بر اینکه فرد به گزاره‌هایی حقیقی دست می‌یابد، چاره‌اندیشی و تدبیر نیز در او فعال شده و برای آن گزاره‌های حقیقی، در صدد یافتن مصداق‌های واقعی برآمده و برای عملی کردن خواست خدا که در قالب غرض سوره به آن می‌رسد مترصد برنامه و برنامه‌ریزی است.

غرض سوره مبارکه از مهم‌ترین پیام‌های سوره در تدبر است که باید به آن توجه شود لذا در تدبر نوعی کل‌نگری نسبت به سوره نیز وجود دارد.

غرض سوره مبارکه قارعه را می‌توان «انذار انسان و جامعه به وسیله یادآوری قیامت به وجه عظمت و بیان میزان محاسبه آن» بیان داشت.

غرض سوره مبارکه قارعه از منظر شما.....

## انواع خواندن قرآن از نظر ساختار و کیفیت خواندن

سوره مبارکه مزمل را رو به روی خود بگشایید. با مطالعه سوره و ترجمه آن می‌توان مطالب مهمی را درباره شیوه‌های مختلف رجوع به قرآن از نظر ساختار خواندن (قرائت، ترتیل و ...) و نیز از نظر مقدار و شیوه مطالعه (چه زمانی و چگونه خواندن) به دست آورد.

به نام خداوند هستی بخش مهربان	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
هان، ای جامه به خود پیچیده!	يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ (۱)
شب را جز اندکی، [به عبادت] برخیز	قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲)
نیمی از آن را، یا اندکی از آن بکاه.	نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳)
یا بر آن [نیمه] بیفزای و قرآن را شمرده و با تأمل بخوان.	أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴)
همانا ما به زودی بر تو گفتاری گران القا خواهیم کرد.	إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵)
مسلم‌پدیده شب [خیزی] دارای استحکام بیشتر و ذکر و قرائت [در آن] استوارتر است.	إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (۶)
تحقیقا تو را در روز آمد و شدی طولانی است.	إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (۷)
و نام پروردگار خود را یاد کن و [از همه] بریده یکسره به سوی او روی آور.	وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (۸)
[اوست] پروردگار مشرق و مغرب که معبودی جز او نیست، پس او را کارساز خویش گیر.	رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلاً (۹)
و بر آنچه می‌گویند صبر کن و به شیوه‌ای نیکو از آنان دوری گزین.	وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (۱۰)
و مرا با تکذیب کنندگان صاحب نعمت واگذار و اندکی مهلتشان ده.	وَ ذَرْنِي وَ الْمُكَذِّبِينَ أُولَىٰ النِّعْمَةِ وَ مَهْلَهُمْ قَلِيلًا (۱۱)
همانا نزد ما زنجیرها و آتش افروخته است، و طعامی گلوگیر و عذابی دردناک.	إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَ جَحِيمًا (۱۲)
روزی که زمین و کوه‌ها به لرزه در آیند و کوه‌ها توده‌ای از ریگ روان شوند.	وَ طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۳)
در حقیقت ما به سوی شما رسولی که گواه بر شماست روانه کردیم، همان‌گونه که رسولی به سوی فرعون فرستادیم.	يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ الْجِبَالُ وَ كَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيرًا مَّهِيلًا (۱۴)
[ولی] فرعون آن رسول را نافرمانی کرد پس ما او را به شدت فرو گرفتیم.	إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (۱۵)
	فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً (۱۶)

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا  
پس اگر کافر شوید، چگونه از [عذاب] روزی که کودکان را  
پیر می‌کند خود را حفظ می‌کنید؟ (۱۷)

السَّمَاءِ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸)  
[روزی که] آسمان از [هیبت] آن در هم شکافت. وعده او انجام  
شدنی است.

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا  
بی‌تردید این [آیات] تذکاری است، پس هر که خواست، به  
سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد. (۱۹)

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَ  
نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَ اللَّهُ  
يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عَلِيمٌ أَن لَّنْ تَحْصُوهُ فِتَابَ  
عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن  
سَيَكُونُ مِنكُمْ مَّرْضَىٰ وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي  
الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ  
فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا  
الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا  
وَ مَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِن خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ  
هُوَ خَيْرٌ وَ أَكْظَمُ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ  
غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۰)

قطعا پروردگارت می‌داند که تو نزدیک به دو ثلث از شب و  
گاه نصف آن یا ثلث آن را [به نماز] بر می‌خیزی و گروهی از  
آنان که با تو هستند نیز [چنین می‌کنند]، و خداست که اندازه  
شب و روز را تقدیر می‌کند. می‌داند که شما هرگز نمی‌توانید  
حساب آن را [برای زمان عبادت] اندازه‌گیری کنید پس بر شما  
بخشید. اینک هر چه از قرآن میسر شد بخوانید. [خدا] آگاه  
است که گروهی از شما بیمار خواهند شد و عده‌ای دیگر در  
پی کسب روزی خدا سفر می‌کنند و [گروهی] دیگر در راه  
خدا جهاد می‌کنند. پس هر چه میسر شد از آن بخوانید و نماز  
را بر پا دارید و زکات بدهید و به خدا قرض الحسنه بدهید و  
هر کار خوبی برای خود پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با  
پاداشی بزرگ‌تر باز خواهید یافت، و از خدا آمرزش بخواهید  
که خدا آمرزنده مهربان است.

برخی از موضوعاتی که در آیات فوق پیرامون آن، مسائل مهمی بیان شده، عبارتند از:

- دستورات قیام شبانه
- نقش شب و روز در برنامه‌های زندگی
- انواع خواندن قرآن از نظر کیفیت، زمان، مکان و ...
- دستورات مربوط به مواجهه با مخالفین دین
- شیوه برنامه‌ریزی برای برنامه‌های شب و روز
- نقش قرآن در زندگی روزانه و شبانه

اصل در خواندن قرآن دست‌یابی به هدایتی است که خداوند برای انسان در نظر گرفته است کما اینکه در روایت  
است: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند کدامیک از مردم قرآن را بهتر می‌خوانند؟ فرمود: آن کس که وقتی  
تلاوتش را می‌شنوی احساس کنی که او از خدا می‌ترسد.

## قرائت

قرائت به معنای فهمیدن و ضبط معانی مکتوب با چشم است. در این حالت فرد با مشاهده کلمات و جملات، به معنای آنها توجه نموده، خود را در فضا و صحنه وقوع رخداد‌های بیان شده آن قرار داده و حقایق را با تمام وجود به صورت مرحله به مرحله دریافت می‌کند.<sup>۱</sup> چنانچه مطالعه شد در سوره مبارکه مزمل هر مسلمانی به اندازه‌ای که برایش سهل و آسان باشد امر به قرائت قرآن شده است. زیرا در قرائت لازم است فرد خود را در مقام و موقعیت‌های مختلف قرار دهد و معانی را وجدان و شهود نماید. با توجه به آیات یاد شده این نوع قرائت می‌تواند نواقص رشد در فرد را جبران نماید.

## ترتیل

«ترتیل قرآن به معنای تلاوت آن است به نحوی که حروف پشت سر هم آن، روشن و جدای از هم به گوش شنونده برسد. در الدر المنثور است که عسکری در کتاب مواعظ از امام علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند معنای «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» چیست؟ فرمود: حروفش را واضح بگویی، و چون خواندن شعر، صدای خود را ترجیع ندهی. نه مانند بحر طویل یکسره باشد و نه مانند شعر پاره پاره، وقتی به عجایبش برمی‌خوری در آنجا بایستی، (و با تکرار آن) دل را به حرکت درآوری، و زنهار! همتان این نباشد که زودتر به آخر سوره برسید. از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: ترتیل آن است که در آن مکث کنی و صوت را نیکو گردانی.»<sup>۲</sup>

## تلاوت

هر گاه فرد مفاهیم و پیام‌های قرآن را در پیش روی خود قرار دهد و زندگی و باورهای خود را با آن منطبق نماید در این صورت قرآن را تلاوت کرده است؛ زیرا تلاوت به معنای اینست که فرد چیزی را در روبروی خود قرار داده و از آن تبعیت کند. بدین ترتیب مقام تلاوت کاملاً کاربردی و در مقام عمل و پس از علم، تحقق می‌یابد.

---

<sup>۱</sup> ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۴۷: راغب در مفردات می‌گوید: کلمه «قرائت» به معنای ضمیمه کردن حروف و کلمات به یکدیگر در زبان است، و این کلمه را به هر ضمیمه کردنی نمی‌گویند، مثلاً در جمع کردن عده‌ای را به دور هم نمی‌گویند: «قراءت القوم»، دلیل این ادعا این است که تکرار یک حرف از حروف الفبا در زبان را هم قرائت نمی‌گویند. و به هر حال وقتی گفته می‌شود «قراءت الكتاب» معنایش این است که از ضمیمه کردن چند حرف از آن، کلمه در آوردم و از ضمیمه کردن کلمات آن با یکدیگر جمله‌هایی در آورده، مطالبی استفاده کردم، هر چند که آن حروف و این کلمات را به زبان هم نیاورده باشی پس قرائت، هم شامل مطالعه می‌شود، و هم شامل آنجایی که جمع حروف و کلمات را تلفظ کنی، و هم آنجایی که این عمل را با شنیدن انجام دهی، که اطلاق قرائت بر معنای اخیر تلاوت هم نامیده می‌شود، همچنان که خدای تعالی فرموده: «رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً».

<sup>۲</sup> التحقیق، ج ۹، ص ۲۲۰: هو تفهیم و ضبط معانی مکتوبه بالبصر. مادياً أو معنوياً. و المعانی عبارة عن مفاهیم و مطالب مقصوده. و الكتابه عبارة عن ثبته بالفاظ و حروف أو نقوش و صور مناسبة فی صفحات خارجیه أو أنفسیه أو فی اللوح المحفوظ عند الله تعالی. و البصر أعم من أن یكون قوة محسوسه أو بصیره باطنیه أو روحانیه صرفه. ففی القراءة لازم أن تتحقق هذه الخصویات: و أما التوجه الی المفاهیم بالقلب أو ضبطها بالسمع أو بحاسه اخرى: فلیس من مصادیق مفهوم القراءة.

<sup>۳</sup> ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۱۱۱

## روش‌های مطالعه قرآن از نظر قالب مطالعه (با توجه به امکان‌های مختلف قرائت)

برنامه‌ریزی برای خواندن قرآن با توجه به نیازهای مختلف فرد صورت می‌گیرد ولی آنچه مهم است اینست که هر مومنی لازم است بنای خود را بر مراجعه و خواندن قرآن تا آنجایی که می‌تواند بگذارد، زیرا لازم است به آیه کریمه «فاقرؤا ما تیسر من القرآن» عمل نماید. بنابراین برنامه‌ریزی برای قرائت در همه ابعاد و حالات امکان تحقق دارد. به عنوان مثال می‌توان حالات زیر را که هر یک در روایات اهل بیت علیهم السلام به آنها اشاره شده است، مورد توجه قرار داد:

۱. خواندن قرآن به صورت منظم به منظور ختم قرآن. این ختم می‌تواند بنا به موقعیت‌های مختلف هفتگی یا ماهانه و یا سالانه باشد، که بر همین اساس میزان تقسیم‌بندی آیات و سوره‌ها متفاوت خواهد بود.
۲. خواندن سوره‌هایی که به صورت روزانه توصیه شده است. مانند سوره مبارکه ملک و یس در صبح‌ها و سوره‌های واقعه در شب‌ها و یا سوره مبارکه جمعه در شب و روز جمعه و ...
۳. خواندن سوره مبارکه یا آیتی به منظور خاص، از قبیل استجاب دعا پس از خواندن ۱۰۰ آیه و خواندن سوره مبارکه طه برای گره‌گشایی از کارها و ...
۴. خواندن آیات مشخصی به عنوان تعقیبات نمازها یا ذکرهای خاص مانند آیات معروف در تعقیبات نماز صبح.<sup>۱</sup>
۵. خواندن قرآن با تأمل و تفکر و تکرار به صورت سوره‌ای یا آیه‌ای. چنانچه در نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» صد مرتبه تکرار می‌شود.

<sup>۱</sup> بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۳۷: وَجَدْتُ بِحَظِّ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْجُبَاعِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ وَجَدْتُ بِحَظِّ الشَّهِيدِ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ رُويَ عَن مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَاتِ السَّتِّ فِي كُلِّ عَدَاةٍ كَفَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ لَوْ أَلْفَى نَفْسَهُ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ هِيَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَيَّ اللَّهُ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (توبه: ۵۱) وَ إِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ إِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ (يونس: ۱۰۷) وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (هود: ۶) وَ كَأَيُّنَ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَ إِيَّاكُمْ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (عنكبوت: ۶۰) مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (فاطر: ۲) قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (زمر: ۳۸) حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (توبه: ۱۲۹) از امیرالمومنین روایت شده است که هر کس این آیات را در ابتدای صبح بخواند، خداوند او را از هر بدی‌ای کفایت می‌کند حتی اگر بخواند خود را در مهلکه بیفکند و آیات این است: بگو جز آنچه خداوند خواسته برای ما اتفاق نمی‌افتد. او مولای ماست و بر او اهل ایمان توکل می‌کنند. (سوره مبارکه توبه، آیه ۵۱) و اگر خداوند ضرر و زبانی به تو رساند، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد و اگر اراده خیر درباره تو داشته باشد، هیچ کس قادر نیست مانع فضل او گردد. برای هر کدام از بندگانش بخواند، خیر را نصیب می‌کند که او بخشنده و مهربان است. (سوره مبارکه یونس، آیه ۱۰۷) هیچ جنبنده‌ای نیست مگر آنکه روزی‌اش با خداست و قرارگاه و محل امن او را می‌داند تمام این حقایق در کتابی روشن موجود است. (سوره مبارکه هود، آیه ۶) چه بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می‌دهد و او شنوا و داناست. (سوره مبارکه عنكبوت، آیه ۶۰) آنچه خداوند به روی مردم می‌گشاید، کسی نمی‌تواند مانع آن شود و آنچه را او مانع شود، کسی بعد از او نمی‌تواند آن را بفرستد که او مقتدر و حکیم است. (سوره مبارکه فاطر، آیه ۲) اگر از آنها سؤال کنی که چه کسی آسمانها و زمین را آفریده؟ جواب می‌دهند خدا. بگو: آیا خدایانی که غیر از او می‌خوانید، اگر خدا بخواند به من بلایی رسد آن خدایان می‌توانند دفع کنند و یا اگر خدا بخواند به من رحمتی رساند می‌توانند مانع شوند؟ بگو: خدا مرا بس است. بر او اهل توکل، توکل می‌نمایند. (سوره مبارکه زمر، آیه ۳۸) اگر روی برگردانند، بگو: خدا مرا بس است نیست خدایی جز او. بر او توکل می‌کنم که او پروردگار عرش بزرگ است. (سوره مبارکه توبه، آیه ۱۲۹)

۶. مطالعه آیات و سوره‌ها و تعلیم محتوای آنها به صورت تدریس، مباحثه و مراجعه به منابع. در این راستا روایات متعددی در فضیلت آموزش قرآن وارد شده است.
۷. مراجعه به قرآن به عنوان ارائه سؤالات مورد نظر به صورت ختم کل قرآن با سؤال مشخص و یا مطالعه بخشی از آن. در این حالت فرد با سؤالی مشخص و یا موضوعی از موضوعات مبتلابه خود در زندگی، به مطالعه آیات می‌پردازد. تمرین این نوع مراجعه به ویژه با مرور سریع منجر به انس بیشتر ما با قرآن می‌شود.
۸. نگاه کردن و یا لمس کردن آیات با طهارت برای دریافت معنویت و آرامش بیشتر. این موضوع مورد تأکید برخی از روایات قرار گرفته است.
۹. مراجعه و باز کردن قرآن به صورت اتفاقی برای بهره‌مندی از آیاتی در خلال برنامه‌های روزانه.<sup>۱</sup>
۱۰. مطالعه موضوعی قرآن، این مطالعه می‌تواند با موضوعی مشخص در کل قرآن و یا سوره‌هایی خاص باشد. این روش در روایات و ادعیه اهل بیت به وفور دیده می‌شود.
۱۱. استفاده از آیات در دعاها، این روش می‌تواند با بهره‌گیری از ادعیه اهل بیت علیهم السلام به دست آید.
۱۲. نوشتن آیات و سوره‌ها یکی دیگر از راه‌های توجه به آنست که با وجود آسیب‌های مختلفی که وجود داشته (به دلیل نبود صنعت چاپ و اینکه نوشتن جهت انتقال بوده و دقت فراوانی را می‌طلبیده است) مورد تأیید اهل بیت بوده است.
۱۳. مرور سریع قرآن و یا تندخوانی قرآن. در این مرور سعی می‌شود تا قدرت تندخوانی قرآن و در واقع سرعت انتقال مطالب سریع‌تر شود.

---

<sup>۱</sup> هر چند حقیقت استخاره، استخاره قلبی است و باید در هر کار طلب خیر کرد ولی گاهی به اضطرار در صورت رسیدن به بن‌بست و پس از استفاده از عقل خود و صاحبان خرد استخاره با قرآن ممدوح شمرده شده است.